



# اقتصاد معاومتی و تولید

کمیون صنایع

دیرخانہ کمیون ہای تخصصی

عنوان گزارش: اقتصاد مقاومتی و تولید  
کمیسیون: صنایع  
تهیه کننده: احسان سلطانی  
انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران  
شماره گزارش: ۱۳۹۵۲۳  
تیر ۹۵

## خلاصه مدیریتی

مقام معظم رهبری در طی دو سال اخیر به کرات بر اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو تأکید و تصریح داشته و در مجموع راه نجات کشور را در تکیه بر تولید داخلی و کار و نوآوری و حضور عامه مردم در اقتصاد و اشتغال مولد عنوان فرموده‌اند.

هم اکنون نظام اقتصادی مولد غالب نیست و اقتصاد کشور درون‌گرا و برون‌زا، رانت‌جو و نامولد، فرصت‌سوز و کوتاه‌نگر شده است. در این شرایط نامتعارف و غیرقابل تداوم که نظام اقتصادی از تغییر و تحول باز مانده و توان بازآرایی و بازسازی را از دست داده، وظیفه دولت و دیگر قوا و همچنین همه نیروهای دلسوز کشور و مردم است تا با عمل به مفاد و مضامین «اقتصاد مقاومتی» و «ده اقدام اساسی برای نجات کشور» در جهت برون‌رفت از وضعیت کنونی مجدانه تلاش کنند.

معضل و چالش اصلی اقتصاد امروز ایران غلبه بخش‌های نامولد مستغلات مبتنی بر سفته‌بازی، بانکی مبتنی بر رباخواری و تجاری مبتنی بر واردات بر اقتصاد کشور و از سوی دیگر تضعیف و تحدید بخش‌های مولد صنعتی و کشاورزی است. هر چند ایران در زمره کشورهای رانتیر- نفتی محسوب می‌شود، اما وضعیت کنونی از ابتدای دهه هشتاد و با افزایش درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، به شدت تقویت و تشدید شد و اقتصاد کشور را درگیر خود کرد. در شرایط کنونی سهم سرمایه مالی و تجاری از زنجیره‌های تامین صنعتی و کشاورزی به نحو نامتعارف و ناعادلانه‌ای بالا رفته و از سوی دیگر سهم بخش‌های تولیدی و نیروی کار به شدت پایین آمده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که در اقتصاد ایران با کاهش نقش و تاثیر اقتصادی بخش‌های مولد، اشتغال مولد تنزل یافته و موارد کلیدی و مهمی از قبیل رقابت‌پذیری، بهره‌وری و نوآوری موضوعیت و اهمیت خود را از دست داده است. هم اکنون ۶۷ درصد از بزرگترین بخش اقتصادی کشور (خدمات) شامل مستغلات، بازرگانی (مبتنی بر واردات و قاچاق) و بانک‌داری است که در حدود دو برابر این سهم در کشورهای توسعه یافته می‌باشد. سهم بازرگانی در ایجاد درآمد ملی از صنعت فراتر رفته و کشاورزی نقش حائز اهمیتی ایفا نمی‌کند. در همین حال بیش از نیمی از درآمد صنعتی به واحدهای بزرگ دولتی و شبه‌دولتی پتروشیمی، مونتاز خودرو، فولاد و سیمان مربوط است که به رانت منابع خام و بازارهای بسته متکی هستند.

با توجه به شرایط اقتصاد کشور که با تضعیف و تحدید نیروهای مولد و تعمیق رکود تورمی توأم گردیده است، تنها راه‌حل ممکن و در پیش رو این است که ساختار نهادی مشوق رانت، دلالی و فساد باید جای خود را به ساختار نهادی مشوق دانش، کارایی و بهره‌وری بدهد. بنابراین نیاز به یک برنامه ملی حمایتی از تولید داخلی و نوآوری است که در این راستا ایجاد اشتغال مولد و دانش‌بنیان می‌تواند محور اقدامات اجرایی قرار گیرد.

## فهرست

- ۱- مقدمه ..... ۴
- ۲- اقتصاد مقاومتی ..... ۵
- ۳- ده اقدام اساسی برای نجات کشور ..... ۶
- ۴- ویژگی های اقتصاد ایران و وضعیت نیروهای مولد (صنایع کوچک و متوسط) ..... ۷
- ۴-۱- نیم قرن اقتصاد نفتی ایران ..... ۷
- ۴-۲- نقدینگی و تامین سرمایه مالی ..... ۱۰
- ۴-۳- مسکن و مستغلات ..... ۱۲
- ۴-۴- تجارت خارجی ..... ۱۵
- ۴-۵- نیروی کار و رقابت پذیری ..... ۱۶
- ۴-۶- صنایع کوچک و متوسط ..... ۱۷
- ۵- کژکارکردی ها و انحرافات اقتصاد کشور از اقتصاد مقاومتی و ارائه راهکارهای اصلاحی ..... ۲۱
- ۶- نتیجه گیری و ارائه راهکارها ..... ۳۵
- منابع ..... ۳۷

مفاد «اقتصاد مقاومتی» در ۲۹ بهمن سال ۱۳۹۲ در جهت تحقق اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو و همچنین به عنوان راهکارهای اجرایی مقابله با تحریم‌های اقتصادی و افزایش قدرت اقتصادی کشور ابلاغ گردید. ضمن آن که در دو سال گذشته، در فرصت‌های مکرری بر اجرای اقتصاد مقاومتی تصریح و تاکید شده است، مقام معظم رهبری در اولین سخنرانی سال گذشته (اول فروردین ۱۳۹۴، حرم رضوی، مشهد) به توجه دولت به امر تولید داخلی و حمایت از صنایع کوچک و متوسط سفارش اکید فرمودند. معظم-له در اولین سخنرانی سال کنونی (اول فروردین، حرم رضوی، مشهد) ضمن نامیدن سال جاری تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی: اقدام و عمل»، با ابلاغ مفاد «ده اقدام اساسی برای نجات کشور» موارد بسیار کلیدی و مهمی شامل پشتیبانی از تولید داخلی و تقویت و رقابتی‌سازی آن، تعادل-بخشی به اقتصاد و عدالت اجتماعی، ارتقاء بهره‌وری و اقتصاد دانش‌بنیان، کنترل واردات، مبارزه با رانت‌خواری، قاچاق و فساد، بهبود بهره‌وری انرژی و توجه ویژه به صنایع کوچک و متوسط را از دولت، نهادها و مردم خواستار شدند.

در این گزارش سعی بر این است تا ضمن بررسی مفاد «اقتصاد مقاومتی» و «ده اقدام اساسی برای نجات کشور»، شرایط کنونی، پیش-زمینه‌ها و علل ابلاغ آنها نیز بررسی شود. بنابراین ضمن بررسی اجمالی و جمع‌بندی روند عملکرد اقتصادی کشور در نیم قرن اخیر، تأثیرات درآمدهای نفتی بر روی تقویت یا تضعیف بخش‌های مولد و نامولد مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. در ادامه وضعیت بخش‌های سرمایه‌ای (بانکی)، ملکی (مستغلات)، تجاری (واردات) و همچنین صنعت (صنایع کوچک و متوسط) و نیروی کار و رقابت‌پذیری تشریح خواهد گردید. در فصل‌نهایی با تجزیه و تحلیل گسل‌ها، انحرافات و کژکارکردی‌های اقتصاد کشور نسبت به اقتصاد مقاومتی (و مفاد متناظر ده اقدام اساسی برای نجات کشور)، مصادیق آن ذکر شده و راهکارهای اصلاحی پیشنهادی ارائه گردیده است. امید است این گزارش چراغی باشد فرا راه نجات اقتصاد کشور و برون‌رفت از وضعیت کنونی.

## ۲- اقتصاد مقاومتی

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخوردار از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

مقام معظم رهبری در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲، با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا، ابلاغ فرمودند. در راستای اجرای مفاد اقتصاد مقاومتی و رفع موانع و چالش‌های کنونی بر سر تحقق آن و تسریع روند عملیاتی آن و به ویژه بندهای مهم ذیل (در زمینه‌های برون‌رفت از رکود، تولید (صنعتی و کشاورزی)، تقویت نیروهای مولد اقتصادی، ایجاد اشتغال مولد و سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره‌های تولید صنعتی و کشاورزی)، تحقیق و بررسی شده و راهکارهای اصلاحی ارائه می‌گردد.

بند ۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

بند ۲- پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه

بند ۳- محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور

بند ۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

بند ۶- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

بند ۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.

بند ۹- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی

بند ۱۰- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت. برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه

بند ۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید و صادرات کالاها و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج

بند ۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی

بند ۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...

بند ۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد

### ۳- ده اقدام اساسی برای نجات کشور

پس از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در اواخر سال ۱۳۹۲، مقام معظم رهبری در اولین روز سال ۱۳۹۵، طی بیانات مشروحی با تمرکز و توجه کامل به بحث پشتیبانی از تولید داخلی و به خصوص صنایع کوچک و متوسط، در راستای تداوم اقتصاد مقاومتی، ده اقدام اساسی برای نجات اقتصاد کشور را اعلام فرمودند. بر اساس بندهای ده‌گانه معظم‌له، ده موضوع کلی جهت اقدام دولت و بخش خصوصی به صورت خلاصه تعیین و تبیین شده است.

#### جدول ۱- ده اقدام اساسی برای نجات کشور

ده اقدام اساسی برای نجات اقتصاد کشور		
ردیف	موضوع	بیانات مقام معظم رهبری
۱	شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور	بعضی از فعالیت‌های اقتصادی مثل مادر می‌ماند و از آن باب‌های متعدد اقتصادی و تولیدی گشوده می‌شود، روی آنها بایستی تمرکز کنند و آنها را باید شناسایی کنند. نقشه راه را مشخص کنند، تکلیف همه را معلوم بکنند.
۲	زنده کردن تولید داخلی	آن‌طور که به من گزارش کرده‌اند، ما امروز حدود ۶۰ درصد از امکانات تولیدمان تعطیل است. بایستی ما تولید را احیا کنیم. من به مسئولین محترم دولتی مکرر گفته‌ام که این منتقدینی که هستند را بخواهید و حرفهایشان را بشنوید. گاهی پیشنهادهای خوبی دارند.
۳	پرهیز از واردات تضعیف‌کننده‌ی تولید داخلی	مثلا می‌خواهیم هواپیما خریداری بکنیم، مسئولین دولتی خودش آن میگویند که اگر درصدی از این قیمت را در صنایع داخلی هواپیما سرمایه‌گذاری کنیم، بیشتر از آن که از خارج بخریم استفاده خواهیم کرد، تولید داخلی هم رشد پیدا می‌کند. این که ما همه چیز را از خارج وارد کنیم و نگاه نکنیم که این واردات ما چه بلایی سر تولیدات داخلی می‌آورد، این خطاست.
۴	پرهیز از هدر دادن منابع مالی‌ای که پس از برجام باید وارد کشور شود	ما پول‌هایی داریم در خارج از کشور، نفت فروختیم پولش را به ما ندادند. در قضیه برجام بنا بر این شد که این پول‌ها برگردد. البته اکثرش برنگشته است، لکن بالاخره بر خواهد گشت. مواظب باشند، صرف خریدهای بی‌مورد، صرف کارهای بیجا، صرف اسراف‌ها نشود.
۵	دانش‌بنیان شدن بخش‌های مهم و حساس اقتصادی	مثلا بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که برای خودرو، هواپیما، قطار و کشتی مورد استفاده است. این بخش‌های حساس و مهم، دانش‌بنیان بشوند. جوان‌ها و دانشمندان ما نشان دادند که می‌توانند از آن سطحی که ما در فناوری داریم ما را بالاتر ببرند. خوب آن مغزی که می‌تواند موشک برد بلند را جوری تنظیم کند که با انحراف پنج متر به هدف بخورد، در موارد گوناگون دیگر هم می‌تواند.
۶	احیای بخش‌های اقتصادی که قبلا در آنها سرمایه‌گذاری شده	بعضی از بخش‌ها را ما در گذشته رویش سرمایه‌گذاری کردیم، از آنها استفاده بشود. مثلا در زمینه‌ی نیروگاه‌سازی یا در زمینه پتروشیمی سرمایه‌گذاری خوبی کردیم، امروز کشور به نیروگاه احتیاج دارد، کشورهای دیگر هم به نیروگاه ارزانی که ما می‌سازیم احتیاج دارند. ما دیگر نیرویم از بیرون نیروگاه بخریم، وارد کنیم، یا افرادی بیاوریم برای‌مان نیروگاه درست کنند.
۷	شرط انتقال فناوری در معاملات خارجی	یک شیء تولیدی جدیدی را می‌خواهند بخرند، [محصول] تولید شده را نخرند؛ [بلکه] آن شیء را با فناوری مخصوص خودش تهیه کنند و بیاورند در قراردادها. به شدت باید این را مورد توجه قرار بدهند.
۸	مبارزه‌ی جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور	حالا یک مجرم اقتصادی را مثلا دستگیر کردند، روزنامه‌ها درباره‌اش بنویسند؛ عکس و تصاویر و چه و چه با اهداف جناحی و سیاسی و اینها. اینها فایده‌ای ندارد. دو صد گفته چون نیم کردار نیست. آن فساد که امروز ممکن است پیش بیاید باید جلوی این را بگیرند. مانع فساد بشوند. قاچاق همین جور است، باید با قاچاق به معنای واقعی کلمه مبارزه کنند.
۹	ارتقای بهره‌وری انرژی	گفته می‌شود که اگر ما بتوانیم بهره‌وری انرژی را ارتقا بدهیم و صرفه‌جویی کنیم، صد میلیارد دلار صرفه‌جویی خواهد شد. مبلغ کمی نیست، مبلغ زیادی است، این را جدی بگیرند.
۱۰	نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک	آن چیزی که در متن جامعه اشتغال و تحرک ایجاد می‌کند، طبقات پایین را بهره‌مند می‌کند، همین صنایع کوچک و متوسط است، اینها را تقویت کنند و پیش ببرند.

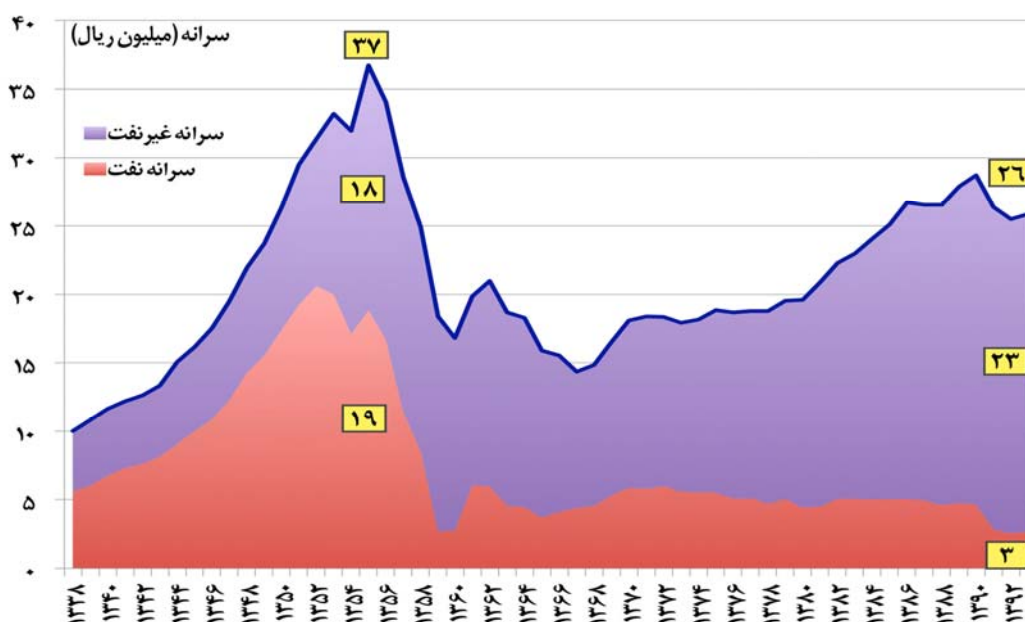
#### ۴- ویژگی‌های اقتصاد ایران و وضعیت نیروهای مولد (صنایع کوچک و متوسط)

هم اکنون، ویژگی مهم اقتصاد ایران غلبه بخش‌های نامولد مستغلات مبتنی بر سفته‌بازی، بانکی مبتنی بر رباخواری و تجاری مبتنی بر واردات بر اقتصاد کشور و از سوی دیگر تضعیف و تحدید بخش‌های مولد صنعتی و کشاورزی است. هر چند ایران در زمره کشورهای رانتیر-نفتی محسوب می‌شود، اما این وضعیت از ابتدای دهه هشتاد و با افزایش درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، به شدت تقویت و تشدید شد و اقتصاد کشور را درگیر خود کرد. در این بخش از گزارش ضمن ارائه جمع‌بندی از عملکرد اقتصاد ایران در نیم قرن گذشته، به تاثیراتی که درآمدهای نفتی بر روی تقویت بخش‌های نامولد و تضعیف بخش‌های مولد و به خصوص صنایع کوچک و متوسط داشته، نیز پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱- نیم قرن اقتصاد نفتی ایران

روندها و ویژگی‌های اصلی اقتصاد نفتی نیم قرن اخیر، به شرح ذیل جمع‌بندی می‌شود.

- (۱) در نیم قرن گذشته، مهم‌ترین ویژگی اقتصاد ایران، نفتی-رانتی بودن آن است که همواره با حجم بالای تصدی‌گری دولت همراه بوده و در دهه گذشته با تفوق و تسلط بخش شبه‌دولتی بر اقتصاد کشور نیز توأم شده است.
- (۲) افزایش درآمدهای ارزی/نفتی همواره با رشد شدید و نامتعارف سه بخش خدماتی بازرگانی (واردات، قاچاق و توزیع داخلی)، ساختمان و مستغلات و فعالیت‌های بانکی به همراه بوده و از سوی دیگر بخش‌های مولد صنعتی و کشاورزی را تحدید و تضعیف کرده است.

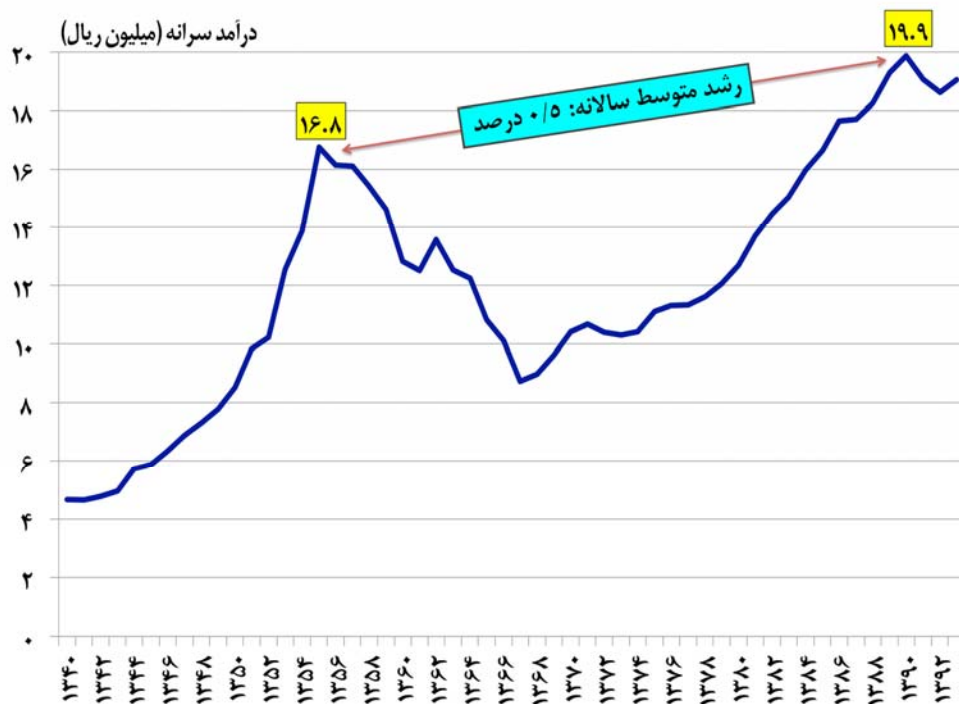


نمودار (۱) - روند ۵۵ ساله درآمد سرانه اقتصادی حقیقی (نفت و غیرنفت) [۱]

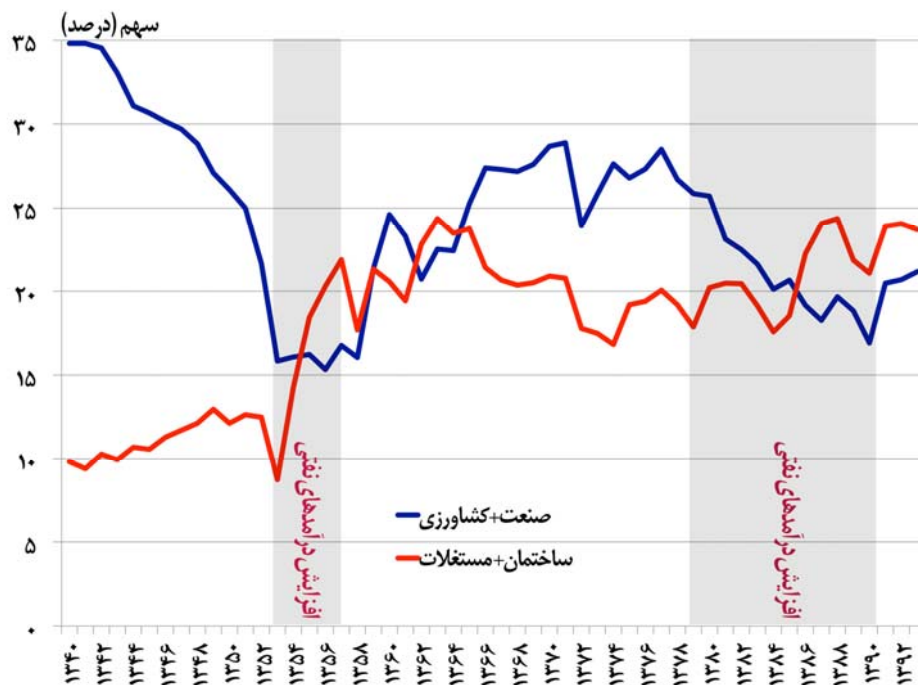
- (۳) درآمدهای نفتی در ابتدا با تامین منابع مالی ارزی (جهت واردات تکنولوژی و مواد اولیه و واسطه‌ای)، سرمایه‌گذاری صنعتی را افزایش داده و به ظاهر زمینه‌های رشد صنعتی را تسریع می‌کند، اما در عمل با تخریب ساز و کار رقابتی اقتصاد و انحراف توزیع فرصت‌ها در جهت حمایت از بخش‌های نامولد، موجبات افول تولید و کاهش عمق صنعتی را فراهم می‌سازد.
- (۴) تقویت و تفوق بخش‌های نامولد، کیفیت اقتصاد ایران را پایین آورده است، چنان‌چه ترکیب اجزاء درآمد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد، نفت، مسکن و مستغلات نزدیک به نیمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده و سهم بخش‌های مولد صنعتی و کشاورزی، در مجموع فقط ۱۷ درصد است. ایران دارای اقتصادی کمیت‌گرا به جای کیفیت‌گرا است که از ویژگی‌های اصلی اقتصادهای دولتی با نظام برنامه-ریزی متمرکز می‌باشد.



(۵) در دهه هشتاد بخش نفت به موتور محرکه اقتصاد تبدیل شد و توان ایجاد درآمد آن از بخش‌های مولد پیشی گرفت که منجر به تضعیف و تحدید بخش‌های مولد واقعی گردید.

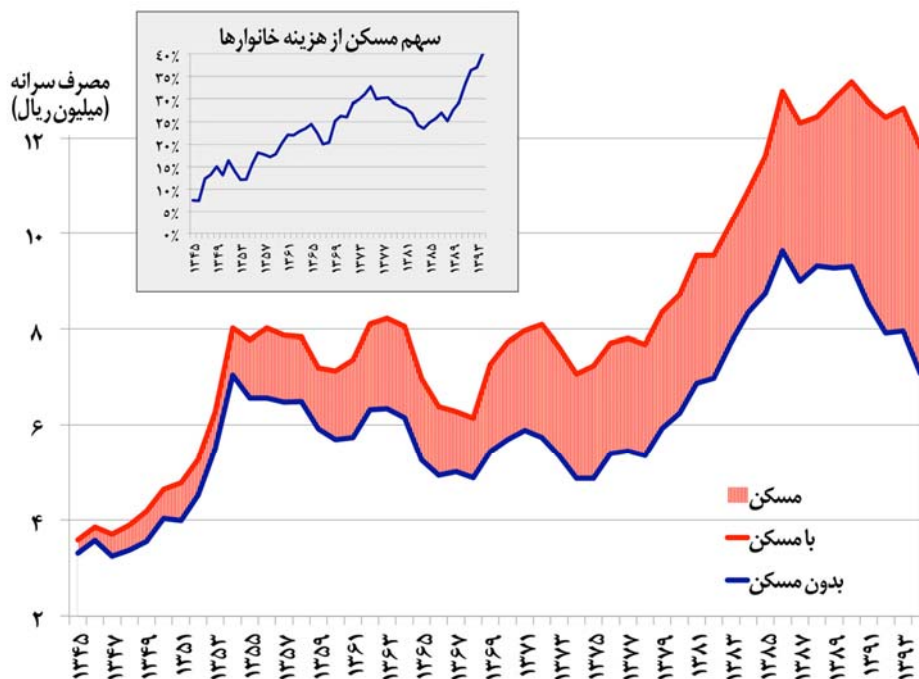


نمودار (۲) - روند درآمد سرانه اقتصادی حقیقی (بدون نفت و مستغلات) [۱]



نمودار (۳) - روند سهم درآمد بخش‌های صنعت+کشاورزی و ساختمان+مستغلات از کل تولید ناخالص داخلی [۱]

(۶) سرانه هزینه‌های مصرفی خانوار (بدون مسکن) در دوره ۷۸-۱۳۵۵ ۱۸ درصد کاهش داشته و در دوره ۸۶-۱۳۷۸، ۸۰ درصد افزایش یافته است. از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۰ با اندکی کاهش، ثابت مانده و پس از تحریم‌ها روند نزولی در پیش گرفته است. اگر چه داده‌های رسمی حاکی از نرخ منفی کمتری می‌باشد، اما واقعیت‌ها حاکی از کاهش ۳۰ درصدی مصرف خانوارها در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۰ است که در سال ۱۳۹۵ نیز تداوم خواهد یافت. لذا عامل کاهش تقاضای موثر خانوار که به علت بالا رفتن هزینه مسکن و کاهش درآمدها ایجاد شده است، مانع بزرگ بر سر راه خروج از رکود به شمار می‌رود.



نمودار (۴) - روند رشد هزینه مصرف نهایی خانوارها (حقیقی) [۱]

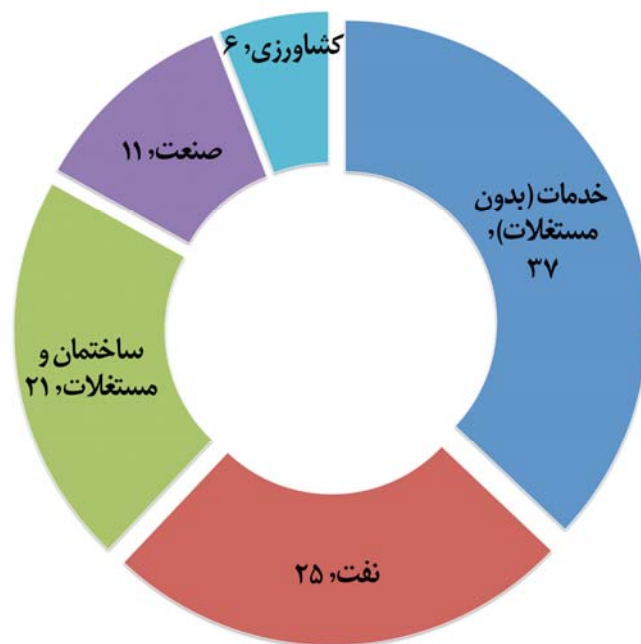
(۷) رکود کنونی ریشه در سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در پیش از تحریم‌ها دارد، چنان چه نظر به عدم رشد هزینه‌های مصرفی خانوارها از سال ۱۳۸۸، شروع خود را به آرامی نشان می‌دهد. بروز تحریم‌ها منجر به شفاف شدن وضعیت وخیم و مشکلات ساختاری و نهادی نهفته در اقتصاد کشور گردید.

(۸) هر سیستم اقتصادی چه در بعد کلان و چه در بعد خرد، برای رفع نیازهای خود یا باید از محل ثروت خود ارتزاق کند یا طریق از کار و تلاش. چنان چه دو مرتبه تا کنون و با هزینه‌ها و خسارات بالایی تجربه شده، اتکا به درآمدهای نفتی برای توسعه، در نهایت جز تخریب ساختارها و بنیان‌های اقتصاد، شیوع گسترده فساد و رانت‌جویی، تقویت بخش‌های نامولد و تضعیف بخش‌های مولد، بزرگ شدن بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی و کاهش نقش مردم و بخش خصوصی واقعی و سقوط ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، نتیجه‌ای در بر نداشته است. بنابراین هم اکنون که درآمدهای نفتی به شدت تنزل یافته، باید زمینه‌های کار و تلاش مردم فراهم شود تا اقتصاد کشور به حرکت و رشد خود ادامه داده و روند وابستگی به نفت را به تدریج قطع کند. کشور بزرگی مانند ایران با جمعیت ۸۰ میلیونی به هیچ وجه نخواهد توانست تا به صرف فروش منابع طبیعی خود به جایگاه ممتاز و رفاه پایدار در بین کشورهای منطقه و در جهان امروز برسد.

(۹) بحران مزمین و ریشه‌دار اقتصادی ایران که با عمیق‌تر شدن رکود، هر روز بیشتر خود را عیان می‌سازد، ریشه در سیاست‌گذاری‌ها و ساز و کارهایی دارد که کم‌رنگ شدن نقش مردم در اقتصاد و بسته شدن فضای فعالیت مولد و سازنده آنها را در پی داشته و آن چه در عمل مستمراً به وقوع پیوسته افزایش هزینه‌های کار و تلاش و کاهش هزینه‌های رانت‌خوری و سوداگری آلوده به فساد بوده است. عامه مردم از سویی امکان فعالیت اقتصادی مولد را از دست داده و از سویی با نبود درآمد لازم و کافی توان مصرف را ندارند. بنابراین فهم و درک تداوم و تشدید رکود

اقتصادی کنونی چندان دشوار و پیچیده نیست، مگر آن که کماکان مقرر باشد تا به سنت مالوف نیم قرن اخیر بر استمرار دور تسلسل باطل روندها و کارکردهای پراشتباه اصرار شود. راهکار نجات اقتصاد ایران نه در تکیه بر فروش منابع ملی، بلکه در اتکا به نیروهای مولد داخلی است.

متأسفانه روند طی شده اقتصاد ایران فرصت‌سوز، نامولد (و علیه نیروهای مولد) بوده و از سویی برون‌زا و درون‌گرا می‌باشد، چنان چه در نهایت منجر به رکود عمیق و پس‌رفت اقتصاد کشور شده است. بنابراین در جهت خروج از وضعیت کنونی و اعمال تغییرات ساختاری در روند اقتصاد کشور و مرتفع ساختن عوامل ضد نیروهای مولد، الزام اجتناب‌ناپذیر و نجات‌بخش اقتصاد کشور اعلام راهکارهای اقتصاد مقاومتی در پایان سال ۱۳۹۲ بوده است. راهکارهای اقتصاد مقاومتی با ده اقدام اساسی مبتنی بر تقویت بخش تولید مجدداً در ابتدای سال ۱۳۹۵ مورد مطالبه و تاکید قرار گرفته است.



نمودار (۵) - سهم بخش‌های اقتصادی از کل تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۱۳۹۰ [۱]

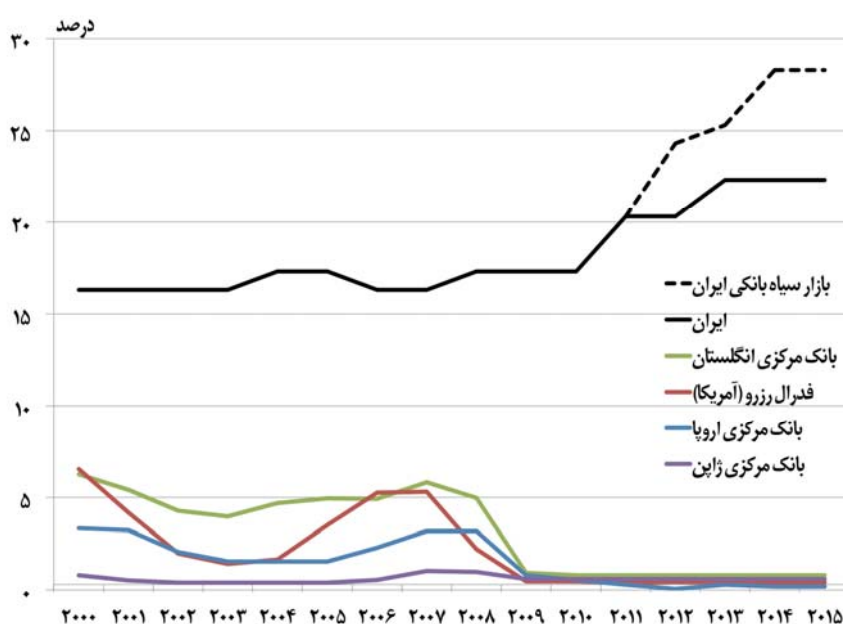
#### ۴-۲- نقدینگی و تامین سرمایه مالی

رشد مستمر نقدینگی یکی از بزرگترین معضلات ساختاری اقتصاد ایران به شمار می‌رود که ضمن تورمزایی (توام با توزیع ناعادلانه و نامتناسب) بر ضد نیروهای مولد عمل کرده است. نقدینگی حاصل جمع پول و شبه پول است که سهم پول (سپرده‌های دیداری بانکی و اسکناس و مسکوک) از ۴۵ درصد نقدینگی در سال ۱۳۸۰ به کمتر از ۱۳ درصد در سال جاری رسیده است. در طی دوره ۹۳-۱۳۸۰ با وجود این که حجم نقدینگی ۲۴.۴ برابر شده، میزان پول ۸.۵ برابر و شبه پول ۳۷.۲ برابر افزایش یافته است. بخش اصلی شبه پول (سپرده‌های غیردیداری) شامل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانکی می‌باشد. سهم سپرده‌های مدت‌دار از ۷۹ درصد کل شبه پول در سال ۱۳۸۰ به ۹۲ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است.

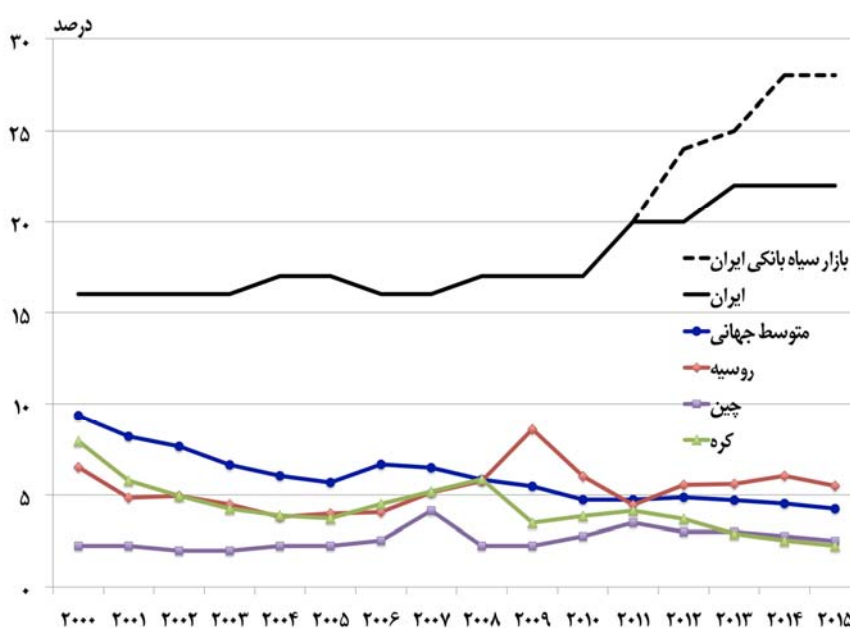
در طی ربع قرن اخیر (۹۳-۱۳۶۸)، حجم نقدینگی کشور افزایش کلی ۴۱۷ برابری (متوسط سالانه ۲۷.۳ درصدی)، ۱۱۱ بار بیش از اقتصاد آمریکا، ۷۸ بار بیش از انگلستان و ۲۶۸ بار بیش از ژاپن را تجربه کرده است. با صرف نظر کردن از تعداد اندکی کشورهای کوچک، ضعیف و عقب‌مانده، ایران صدرنشین رشد حجم نقدینگی در جهان به شمار می‌رود. با در نظر گرفتن نقدینگی بازار غیرمتشکل پولی، نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی ایران (۹۰ درصد) از همه کشورهای منطقه (روسیه: ۶۰ درصد، ترکیه: ۶۰ درصد، پاکستان: ۴۰ درصد، عربستان سعودی: ۶۲ درصد، امارات متحده عربی: ۷۷ درصد) بیشتر بوده و قابل مقایسه با اقتصادهای بزرگی از قبیل آمریکا، آلمان و ایتالیا (۹۰ درصد) می‌باشد.

بنابراین مشکل اقتصاد کشور کمبود نقدینگی نیست، بلکه تجمع و انحراف آن به سمت فعالیت‌های غیرمولد و رانتی سوداگرانه و سفته‌بازانه است. همچنین ایران از یکی از کمترین نسبت‌های میزان پول به نقدینگی (۱۳ درصد) در سطح جهان (متوسط در حدود ۵۰ درصد) برخوردار می‌باشد.

حرکت نقدینگی به سمت سپرده‌گذاری در بانک‌ها بوده که از سوی دیگر با چهارضلعی (۱) مازاد منفی مطالبات (تسهیلات) نسبت به سپرده‌ها، (۲) بالا رفتن حجم معوقات بانکی، (۳) بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و (۴) افزایش بدهی دولت به بانک‌ها توأم می‌باشد. هم‌اکنون به نظر می‌رسد که (۱) مجموع سرمایه‌گذاری‌های رسوب شده در املاک، بنگاه‌ها، سهام و موارد دیگر، (۲) زیان انباشته حاصل از برخی فعالیت‌های اقتصادی، (۳) سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نامولد اقتصادی و (۴) مطالبات معوق بانکی، منابع بانک‌های خصوصی را در خود جذب کرده، لذا به رغم مازاد سپرده‌ها نسبت به تسهیلات، توان تسهیلات‌دهی آنها کاهش یافته است.



نمودار (۶) - روند نزولی نرخ سود بانکی در اقتصادهای مهم جهان و نرخ صعودی در ایران [۲]، [۲۶]



نمودار (۷) - روند نزولی نرخ سود بانکی در کشورهای منتخب جهان و نرخ صعودی در ایران [۲]، [۲۶]

سهم بخش‌های صنعتی و کشاورزی از به ترتیب ۳۰ و ۱۹ درصد تسهیلات اعطایی بانکیها در سال ۱۳۸۰ به ۲۲ و ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافت. در شرایطی که سهم بخش‌های مولد (صنعتی، معدنی و کشاورزی) و بخش‌های با غلبه نامولد (خدمات، بازرگانی و ساختمان و مسکن) به ترتیب ۵۰ و ۴۶ درصد از کل تسهیلات بانکی در سال ۱۳۸۰ بوده، این مقادیر (با ۳۶ درصد کاهش) به ۳۲ درصد برای بخش مولد و (با ۴۸ درصد افزایش) به ۶۷ درصد برای بخش نامولد در سال ۱۳۹۱، تغییر یافته است. هم‌اکنون بخش صنعت با توجه به (۱) شاخص بهای تولیدکننده منفی، (۲) عدم منفعت از تورم عمومی کالاها و خدمات، (۳) رکود و زمان سرمایه در گردش طولانی، (۴) هزینه بسیار پایین سرمایه در گردش در کشورهای دیگر و (۵) حاشیه سود بسیار ناچیز، قادر به پرداخت نرخ سود بالای تسهیلات بانکی کنونی نیست و با استمرار روند کنونی در چرخه ورشکستگی گرفتار خواهد شد.

هم‌اکنون سیستم بانکی که بخش مولد را در سال‌های اخیر به تدریج فلج کرده و موجبات رشد نامتعارف بخش نامولد سوداگرانه و سفته-بازانه را فراهم و در نهایت رکود را رقم زده، خود نیز در وضعیت بس بحرانی بسر می‌برد و در حال زمین‌گیر شدن است. جان مینارد کینز در رساله پول می‌گوید، "رکود زمانی سر بر می‌آورد که پول از چرخه صنعتی به چرخه مالی برود." برآیند بسیار مهم سیاست‌های بانکی کشور در تحدید و تضعیف بخش مولد بوده است. در شرایطی که در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، کم و بیش هم تولیدکننده صنعتی و هم کشاورزی با افزایش بهای تولیدات ناچیزی روبرو بودند، رکود عمیق اقتصادی، کمبود نقدینگی و افزایش شدید هزینه پول، آنها را با بحران روبرو کرد. افزایش نرخ‌های سود بانکی و بیش از آن بانکی غیررسمی و بازار سیاه که به بیش از ۶۰ درصد رسیده است، ایران را به بهشت سپرده‌گذاران بانکی و ربا-خواران تبدیل کرده است، آن هم در دوره‌ای از تاریخ جهان که در چند سال گذشته نرخ‌های سود بانکی در سطح جهان روند نزولی داشته و در کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن (که ۷۰ درصد اقتصاد جهان را شامل می‌شوند) به نزدیک صفر رسیده است.

در راستای برون‌رفت اقتصاد و سیستم بانکی از وضعیت نابسامان و وخیم کنونی و همچنین تامین مالی بخش‌های مولد، راهکارهای پیشنهادی به شرح ذیل می‌باشد، (۱) انجام اصلاحات اساسی، تجدید ساختار و بازسازی سیستم بانکی، (۲) تعیین تکلیف بانک‌های ورشکسته و زیان‌ده، (۳) تعیین تکلیف تسهیلات معوق بانکی (با تمایز بین بخش‌های مولد و نامولد)، (۴) کاهش نرخ سود سپرده‌ها و به تبع آن تسهیلات بانکی و (۵) تامین مالی رقابتی بخش‌های مولد اقتصادی بخش خصوصی واقعی (صنایع کوچک و متوسط) و تزریق منابع مالی به آنها جهت خروج از رکود و ایجاد اشتغال مولد (تدوین نظام و راهکارهای اجرایی)

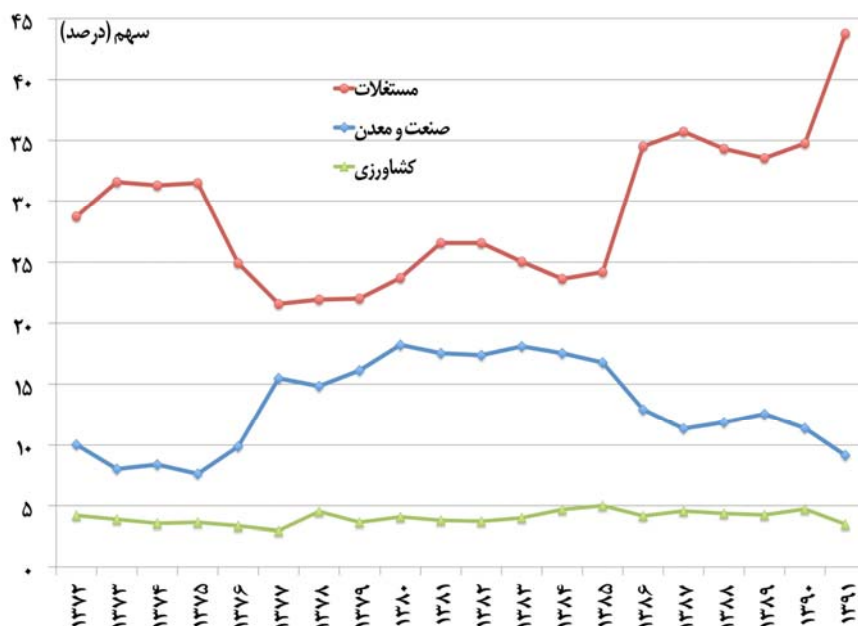
### ۴-۳- مسکن و مستغلات

شواهد نیم قرن اخیر گویای این است که روند سرمایه‌گذاری در زمین و ساختمان توأم با افزایش درآمدهای رانتی نفتی حرکت کرده و رقیب سرمایه‌گذاری مولد (صنعتی و تجاری) بوده است. سودآوری (ناشی از تورم) بالای زمین و مسکن باعث شده نرخ‌های بهره بالا در اقتصاد رایج شود، به صورتی که دریافت تسهیلات توسط بنگاه‌های تولیدی سخت و پرهزینه شود. زمین تولید نشده و نمی‌شود و خرید و فروش و سوداگری زمین وجه آشکار فعالیت‌های نامولد است. کژکاری بخش مسکن با خلق رانت‌های کلان جهت طبقات خاص از یک سو مانع از تامین سرپناه جهت بخش مهمی از مردم و به خصوص جوانان شده و از سوی دیگر با انحراف تخصیص منابع و تحریف روند اقتصاد به سمت بخش‌های نامولد زمینه‌های کار و فعالیت طبیعی مردم را از بین می‌برد.

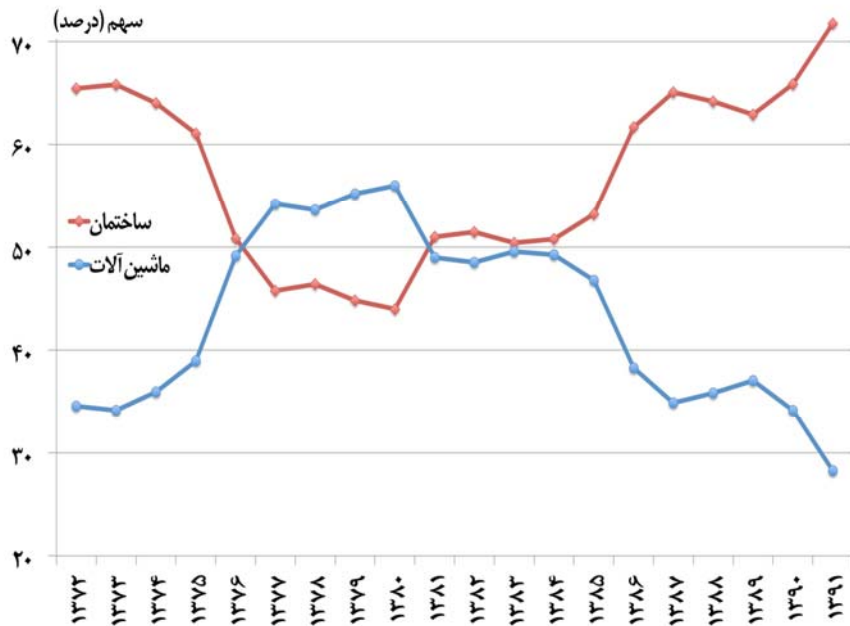
این ویژگی اقتصاد ایران یک بیماری مزمن و کهنه است که به فعالیت‌های غیرمولد پاداش می‌دهد، لذا تولید صنعتی اتفاق نمی‌افتد و بنابراین توسعه صنعتی امری ناشدنی است. چنین اقتصادی قدرت زایش خلق ثروت و انباشت سرمایه برای فعالیت‌های مولد را ندارد. در حال حاضر (۱) با روند فزاینده‌ای به رغم رکود اقتصادی و زیان‌دهی بخش اعظم تولیدکنندگان صنعتی به انحاء گوناگون از آنها مالیات اخذ می‌شود، (۲) مالیات بر عایدی مستغلات و اصولاً هر گونه مالیات بر درآمدهای کلان زمین و مسکن ناچیز بوده یا وجود ندارد و (۳) با یارانه‌های متنوع تسهیلات مسکن، از محل منابع عمومی و مالیات‌ها (که به خصوص از تولیدکنندگان به اجبار اخذ می‌شود)، تلاش در این است تا تامین رانت مافیای ساختمان و مستغلات استمرار یابد. به عبارت دیگر به جای این که از درآمدهای زمین و مسکن مالیات اخذ شده و از تولید حمایت شود، از تولید مالیات گرفته شده و صرف استمرار کسب درآمد زمین و مسکن می‌گردد.

با استناد به داده‌های حساب‌های ملی بانک مرکزی ایران، در شرایطی که در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ سهم ماشین‌آلات از تشکیل سرمایه

ثابت ناخالص از ساختمان بیشتر بوده یا تقریباً یکسان بوده است، از سال ۱۳۸۵ این روند به شدت واگرا شده به طوری که تا سال ۱۳۹۱، سهم ساختمان از تشکیل سرمایه به ۷۲ درصد از کل تشکیل سرمایه در کشور و سهم ماشین‌آلات به ۲۸ درصد می‌رسد. در همین دوره زمانی سهم مستغلات از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور از حدود ۲۴ درصد به ۴۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد و سهم بخش صنعت و معدن از ۱۸ درصد به ۹ درصد تنزل یافته است. این داده‌ها به حضور قدرتمند دو روند نامطلوب و ضدتولید در اقتصاد کشور در ۱۰ سال اخیر دلالت دارند. (۱) روند تشکیل سرمایه از حالت عادی خود خارج شده و از سرمایه‌گذاری‌های مولد ثروت بر روی ماشین‌آلات (اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی، ساختمانی و از این قبیل) فاصله گرفته و به صورت نامتناسبی به شدت به سمت سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان انحراف پیدا کرده است. (۲) ضمن آن که سهم بخش صنعت و معدن از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور پایین بوده، در طی نیمه دوم دهه هشتاد به نصف رسیده است. در همین حال سهم مستغلات، رشد نامتعارف و بی‌قاعده بیش از ۸۰ درصدی را تجربه کرده است. روند انحراف تخصیص منابع به سمت بخش‌های غیرمولد ساختمان، همراه با تضعیف و تحدید بخش‌های مولد است.



نمودار (۸) - سهم بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و مستغلات از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص [۱]



نمودار (۹) - سهم ماشین‌آلات و ساختمان از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص [۱]

در شرایطی که در دوره ۹۳-۱۳۶۹ میزان تورم درآمد (شاخص ضمنی تعدیل‌کننده تولید ناخالص) کل تولید ناخالص داخلی بدون نفت ۱۱۱ برابر گردید، تورم درآمد بخش تولید ساختمان (بدون احتساب تورم بهای زمین و عوامل دیگر) ۱۸۴ برابر شد و به عبارتی تورم درآمد تولید ساختمان در نرخ ۶۵ درصد بالای کل درآمد اقتصاد رشد یافت. در همین دوره، نسبت تورم درآمد تولید ساختمان به تولید صنعتی ۲.۲ برابر شد. بطور کلی در دهه اخیر فعالیت‌های مربوط به زمین و مسکن زمینه رشد فعالیت‌های مولد را خشکانده است و از حالت رقیب برای سرمایه‌گذاری صنعتی و فعالیت‌های مولد به حالت محدودکننده (و چه بسا نابودکننده) تولید و فعالیت‌های مولد تغییر کرده است. زیرا سهم عوامل مولد را معادل درآمدهای بادآورده‌ای که فعالان بخش مسکن و سوداگران آن کسب می‌کنند، کاهش می‌دهد و در همین حال بار مالیاتی کشور را به عوامل مولد و مردم منتقل می‌کند.

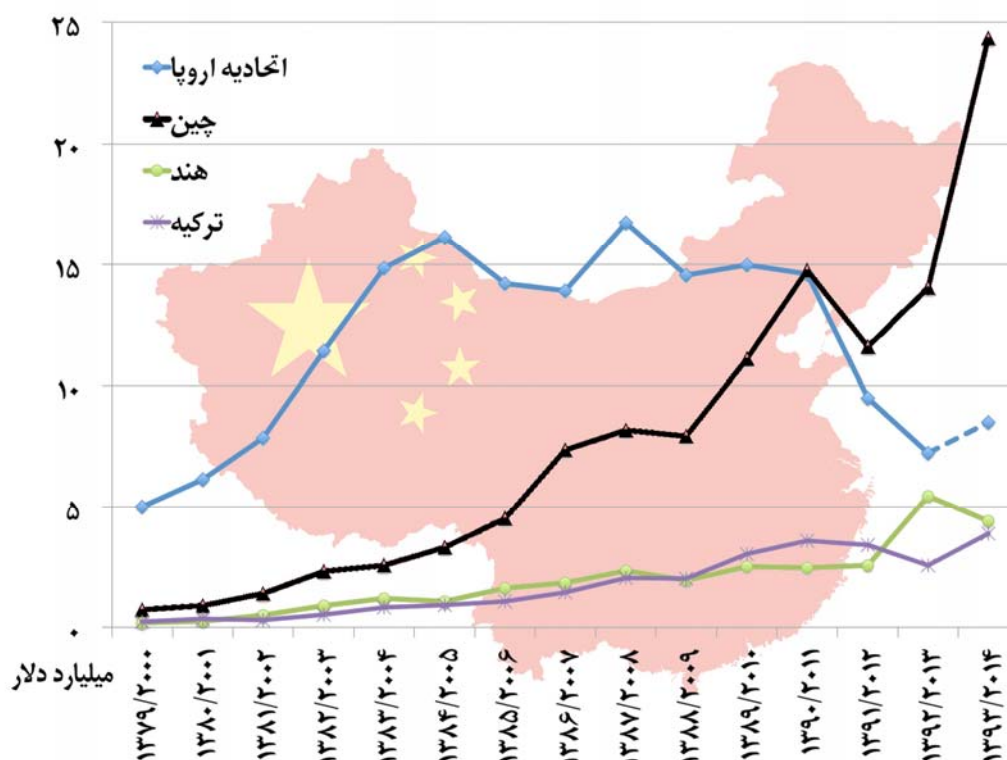


نمودار (۱۰) - سهم بخش‌های اقتصادی از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دوره ۹۱-۱۳۶۸ [۱]

## ۴-۴- تجارت خارجی

دهه هشتاد، دوران رشد درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و همچنین مواد خام و اولیه صنعتی بود. درآمد فروش نفت خام از ۱۹ میلیارد دلار در ابتدای آن به ۱۱۸ میلیارد دلار در انتها و درآمد فروش مواد خام و اولیه صنعتی از ۱.۶ به ۱۶ میلیارد دلار بالغ گردید. ورود منابع ارزی عظیم حاصل از فروش ثروت‌های ملی به اقتصادی که در دهه قبل از آن سالانه حداکثر ۲۰ میلیارد دلار درآمد نفتی به آن تزریق می‌شد، عواقب نامطلوب گسترده‌ای را در پی داشت. در این دهه با استناد به داده‌های داخلی، واردات رسمی ایران از ۱۸ به ۶۲ میلیارد دلار (۳.۴ برابر افزایش) و بر پایه داده‌های جهانی از ۱۷ به ۷۴ میلیارد دلار (۴.۴ برابر افزایش) بالغ گردید.

نظر به تحولات سیاست خارجی، تغییرات الگوهای وارداتی به سوی کالاهای مصرفی ارزان‌قیمت، سودجویی گروه‌های رانت‌جو، بسیاری مسائل جنبی دیگر و در نهایت وقوع تحریم‌ها، تجارت خارجی ایران ضمن تغییر جهت از سمت اقتصادهای پیشرفته و توسعه‌یافته به سوی کشورهای آسیایی نوظهور چین، امارات متحده عربی، ترکیه و هند، دچار تحولات ساختاری جدی و شدیدی شد که تا کنون نیز تداوم و تشدید یافته است. شاید باور عمومی بر ایفای نقش بی‌بدیل اعمال تحریم‌ها در تغییر نگاه تجاری ایران باشد، اما پیش از تحریم‌ها نیز چرخش تجاری به طرف کشورهای فوق‌الذکر در جریان بود، به صورتی که در طی دهه هشتاد (۸۹-۱۳۸۰) با وجود افزایش صادرات اتحادیه اروپا و ژاپن به نسبت ۲.۴ و ۲.۶ برابر به ایران (کمتر از رشد متوسط)، صادرات چین و امارات متحده عربی به نسبت ۱۳ برابر و هند و ترکیه در حدود ۹ برابر بالا رفت. صادرات چین در طی این دهه با شتاب تندی افزایش یافت و در سال ۱۳۹۰ از اتحادیه اروپا پیشی گرفت. با توجه به قیمت نازل کالاهای چینی نسبت به اروپایی، آمریکایی و ژاپنی، برآورد می‌شود که در عمل حجم واردات کالاهای مصرفی بین ۲۰ تا ۳۰ برابر افزایش یافته باشد. در سال ۲۰۱۴، برآوردها حاکی از این می‌باشد که بیش از ۹۵ درصد صادرات ایران مواد خام و اولیه و بیش از ۶۰ درصد واردات (شامل قاچاق) کالاهای مصرفی بوده است. در دهه هشتاد، وجود درآمدهای کلان نفتی بازارهای کشور را به روی کالاهای مصرفی باز کرد و ضمن این که به تولید داخلی لطمه زیادی وارد شد، تخلفات و فساد در تجارت خارجی و به ویژه در سمت واردات به شدت شیوع یافت.



نمودار (۱۱) - روند واردات ایران از اتحادیه اروپا، چین، هند و ترکیه [32]

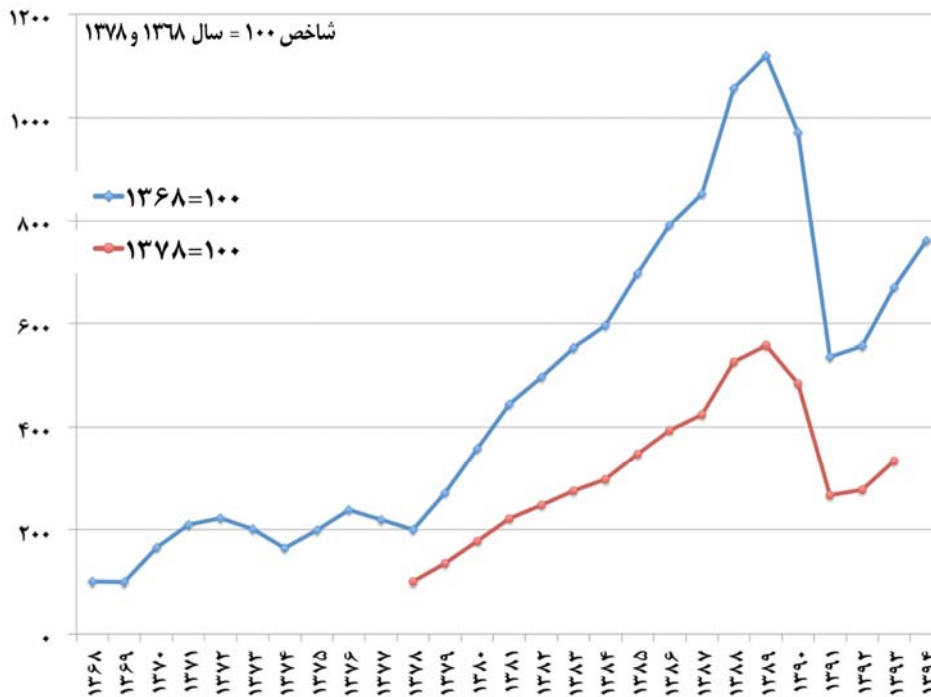


#### ۴-۵- نیروی کار و رقابت پذیری

بطور کلی سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات دولت‌ها منجر به از بین رفتن بخش مهمی از طبقه متوسط و فقیرتر شدن طبقات پایینی جامعه و به خصوص حقوق‌بگیران شده است که در این میان افزایش هزینه مسکن و سهم آن از کل هزینه‌های خانوار نقش به‌سزایی در کاهش قدرت خرید عامه مردم داشته است. اثرات افزایش هزینه‌های مسکن بر روی افشار حقوق‌بگیر در شهرهای بزرگ و صنعت بسیار بالاتر می‌باشد. اقتصاد دهه هشتاد و به ویژه نیمه دوم آن اقتصاد ضد تولید و رشد بخش‌های سوداگری و واسطه‌ای بود. افزایش بهای املاک تجاری در طی چند سال اخیر منجر به افزایش سهم هزینه‌های محل کار و خرده‌فروشی به بیش از دو برابر و کاهش سهم نیروی کار شده است به صورتی که سهم صاحبان املاک تجاری از کل بهای فروش کالاهایی از قبیل پوشاک بیش از دو برابر سهم نیروی کار در زنجیره تامین (از تولید الیاف تا خرده‌فروشی) شده که به مفهوم کاهش توأم قدرت خرید نیروی کار و توان پرداخت دستمزد تولیدکننده به علت افزایش شدید سهم بخش‌های واسطه‌ای (ملکی و مالی) می‌باشد. یکی از مهم‌ترین عوامل رکود تورمی کشور افزایش بهای تولیدات و کاهش توان خرید مصرف‌کننده به دلیل افزایش هزینه‌های واسطه‌ای است.

سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها و به ویژه از سال ۱۳۷۸ که درآمدهای نفتی افزایش یافت، در جهت تضعیف بخش‌های مولد اشتغال‌زا و اتکاء کمتر صنعت به نیروی کار عمل کرده است. نسبت افزایش هزینه نیروی کار داخلی به افزایش بهای کالاهای وارداتی به میزان ۳.۳ برابر در دوره اقتصاد نفتی (۹۰-۱۳۷۸) نشان‌دهنده کاهش شدید قدرت رقابتی نیروی کار داخلی در برابر نیروی کار خارجی است. تثبیت نرخ ارز تأثیرات مهمی بر روی رقابت‌پذیری نیروی کار و اشتغال مولد کشور نیز داشته است. با توجه به روند تثبیت نرخ ارز و افزایش سالانه دستمزدها، در دوره اقتصاد نفتی (۹۰-۱۳۷۸) هزینه دستمزد نیروی کار بر حسب دلار بیش از شش برابر افزایش نشان می‌دهد. لذا هر چه تولیدات داخلی بیشتر به نیروی کار داخلی (و نه منابع طبیعی ارزان داخلی، رانت یا مواد و قطعات وارداتی) متکی بوده‌اند، توان رقابتی خود را بیشتر از دست داده‌اند. لذا یکی از مهم‌ترین اثرات سیاست‌گذاری تثبیت نرخ ارز در کاهش نرخ اشتغال مولد کشور دیده می‌شود. در طی دهه هشتاد اشتغال واحدهای صنعتی بزرگ کشور کم و بیش ثابت ماند و در همین حال اشتغال واحدهای کوچک و کاربر (که سهم اصلی در ایجاد اشتغال را دارند) کاهش یافت.

تفوق و تسلط بخش‌های نامولد سوداگری و واسطه‌ای، مالی (تامین سرمایه در گردش) و ملکی (تامین محل کسب و کار) در داخل و خارج از زنجیره تامین، ضمن اختصاص سهم بزرگ و ناعادلانه از کل منافع و درآمدهای زنجیره به آنها، موجب کاهش کارآیی و کارآمدی کل زنجیره شده است. افزایش درآمدهای رانتی نفتی و به تبع آن تسلط و تفوق بخش‌های نامولد بر اقتصاد کشور، تضعیف نیروها و اشتغال مولد را در پی داشته است. به نحوی که ضمن کاهش اشتغال مولد، سهم نیروی کار از کل منافع زنجیره‌های تامین تولید به حداقل رسیده و بخش اعظم آن به صاحبان سرمایه‌های تجاری و مالی اختصاص می‌یابد.



نمودار (۱۲) - نسبت افزایش دستمزد نیروی کار به بهای کالاهای وارداتی [۵]



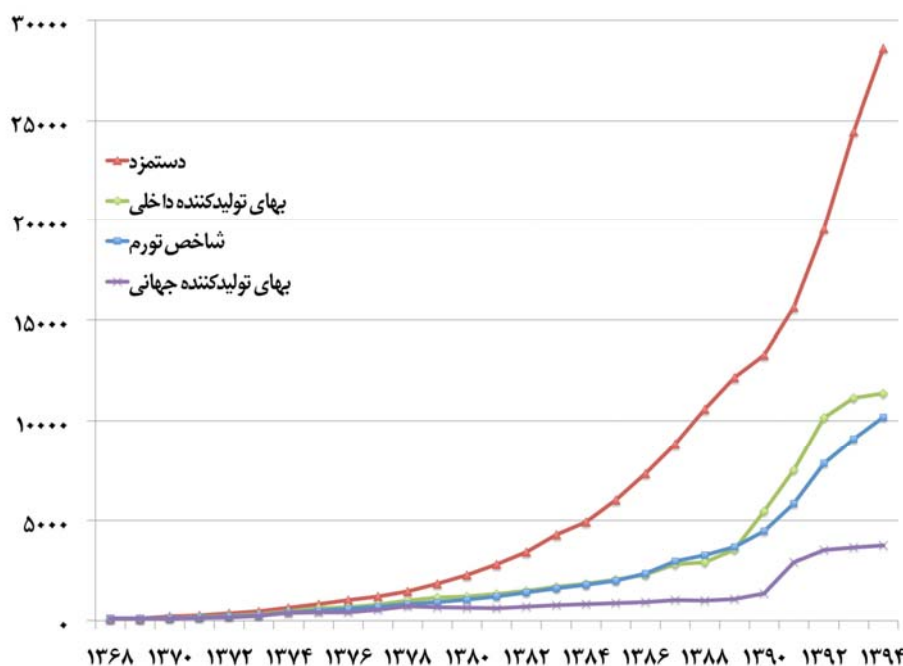
نمودار (۱۳) - انعطاف پذیری و رسمی بودن بازار نیروی کار و تولید در کشورها [39]

#### ۴-۶- صنایع کوچک و متوسط

روند رشد درآمدهای نفتی در دهه هشتاد با کاهش نرخ حقیقی موثر ارز، افزایش واردات و در نتیجه کاهش قدرت رقابتی تولید داخلی و سقوط شدید سرمایه‌گذاری صنعتی، توأم بوده است. با دستکاری دولت‌ها در روند طبیعی ساز و کار اقتصاد کشور و تثبیت دستوری نرخ تبدیل ارز (بدون افزایش توان داخلی اقتصادی)، قیمت تمام شده تولیدات داخلی (نسبت به کالاهای وارداتی) افزایش یافت و با از پا افتادن توان تولید و

نیروی کار داخلی، واردات اوج گرفت و سرمایه‌ها صرف واردات و توزیع آنها یا روانه بخش‌هایی (مانند زمین و مسکن) شد که از سودآوری بالایی برخوردار بودند. در طی دوره ازدیاد درآمدهای نفتی (۹۰-۱۳۷۸) اگر چه در نیمه اول آن ترزریق منابع ارزی موجبات رشد سرمایه‌گذاری صنعتی را فراهم نمود، اما افزایش واردات به همراه کاهش تدریجی قدرت رقابتی صنعتی و نبود متولی لایق و کارآمد در صدر صنعت و اتخاذ انبوهی از سیاست‌گذاری‌های ضدتولیدی، نه تنها منجر به سقوط شدید سرمایه‌گذاری در بخش صنعت از سال ۱۳۸۵ گردید، بلکه اضمحلال تدریجی آن را نیز به همراه داشت. در پایان این دوره نه تنها تولید صنعتی (به میزان منفی هفت درصد نسبت به کل اقتصاد) از رشد باز ماند.

سیاست تثبیت نرخ ارز با درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی و نه افزایش قدرت اقتصادی، اثرات نامطلوبی بر روی صنعت و بخش‌های مولد کشور بر جای گذاشته است. در دوره اقتصاد نفتی (۹۰-۱۳۷۸) به رغم این که نرخ تبدیل ارز فقط چهل درصد افزایش یافت، شاخص بهای تولید صنعتی ۵.۵ و دستمزدها ۹.۱ برابر بالا رفت که این روند منجر به افزایش عمومی ۳ برابری بهای کالای تولید داخل نسبت به کالای وارداتی (با در نظر گرفتن تورم جهانی تولیدات) شد. این سیاست‌گذاری نه تنها موجب تحمیل شرایط ناعادلانه کسب و کار که منجر به تضعیف، تخریب و تحریف روند توسعه صنعتی کشور و تنزل مداوم توان رقابت‌پذیری بخش مولد (به ویژه صنایع کوچک و متوسط) گردید که در نهایت اقتصاد کشور را به روزگار سخت امروز کشانید. در این شرایط دولت در واقع به واردکننده سوبسید داده و از تولیدکننده و صادرکننده مالیات می‌گیرد. با توجه با رابطه علمی بین نرخ تبدیل ارز موثر اسمی (NEER) و نرخ تبدیل ارز موثر حقیقی (REER)، نسبت به سال ۱۳۷۸ نرخ تبدیل ارز موثر حقیقی دلار به کمتر از ۴۵۰۰ ریال کاهش یافته در صورتی که با توجه به نسبت تورم داخلی به جهانی و در جهت حفظ توان رقابتی کشور باید بیش از ۶۰۰۰۰ ریال باشد.

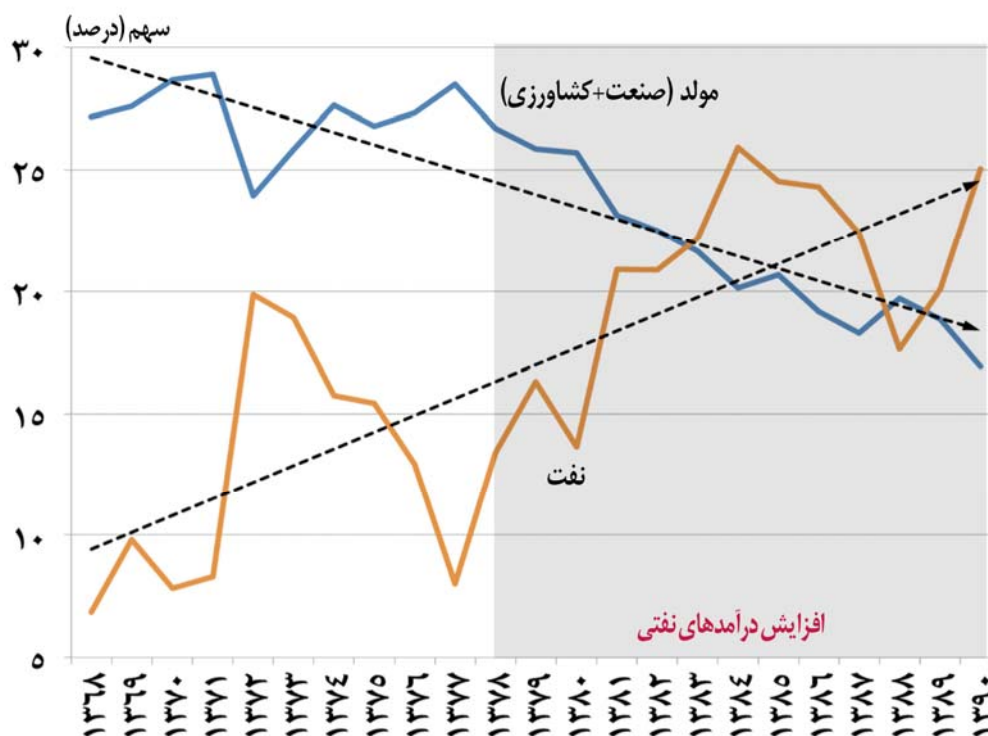


نمودار (۱۴) - روند رشد شاخص‌های دستمزد، تورم، بهای تولیدکننده داخلی و کالاهای وارداتی (سال ۱۳۶۸ = ۱۰۰) [۵]

کژکارگری‌های اقتصاد نفتی (۹۰-۱۳۷۸) منجر به تحریف، تضعیف و تخریب روند توسعه صنعتی گردید. در این دوره صنایعی رشد یافتند که بر پایه فراآوری منابع طبیعی و انرژی ارزان، مونتاژ و بسته‌بندی مواد نیمه نهایی و قطعات وارداتی و بازارهای داخلی حفاظت شده (از قبیل خودروسازی، فولاد و پتروشیمی) فعالیت کرده و صنایع با عمق صنعتی بالا، اشتغال‌زا و ارزش افزوده بالا (از قبیل نساجی و بخش مهمی از صنایع کوچک و متوسط) دچار تحدید شدند. بطور کلی این شرایط به نفع صنایع بزرگ و دولتی و به زیان صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی تمام شد.

در طی دوره ۹۰-۱۳۷۸ سهم بخش‌های مولد اقتصادی (صنعت و کشاورزی) از ۲۷ درصد کل تولید ناخالص داخلی با ۳۷ درصد کاهش به ۱۷ درصد رسید و در همین حال سهم بخش نفت با ۸۷ درصد افزایش به ۲۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی رسید. عمق فاجعه در این است که به این ترتیب سال به سال از سهم نیروهای مولد و کارآفرین در اقتصاد کاسته شده و در همین حال بخش‌های تجاری و سوداگری و سفته-

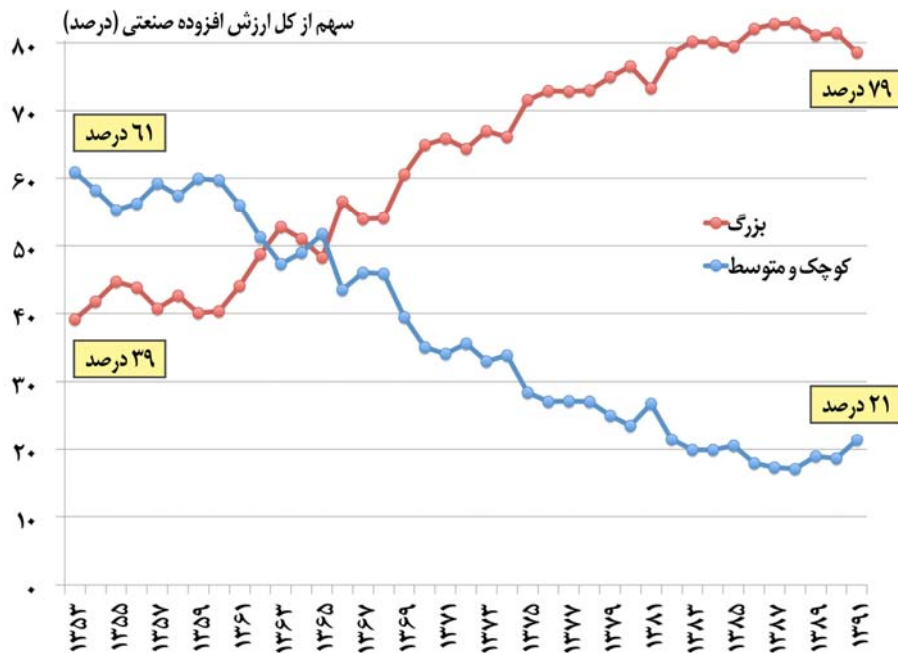
بازی رشد پیدا کردند. رشد گسترده واردات به یمن دلارهای ارزان نفتی و تثبیت نرخ ارز، تضعیف و تحریف روند فعالیت بخش‌های صنعتی و کشاوری کشور را در پی داشت و منجر به رشد گسترده واردات کالاهای نهایی صنعتی و کشاورزی شد. در این میان تحریم‌های اقتصادی با ترکاندن حساب کاذب اقتصاد نفتی زمان وقوع رکود اقتصادی را به جلو انداخت. هم اکنون با کاهش شدید درآمدهای نفتی توام با افت تولید اقتصادی بخش‌های مولد، اقتصاد دارای نیروی محرکه کافی نیست. افزایش هزینه‌های تولید و عدم حمایت کافی از تولیدکنندگان داخلی به همراه کاهش توان مصرف عامه مردم (به علت افزایش سهم هزینه‌های مسکن و کاهش درآمد) منجر به کاهش مصرف خانوارها شده است.



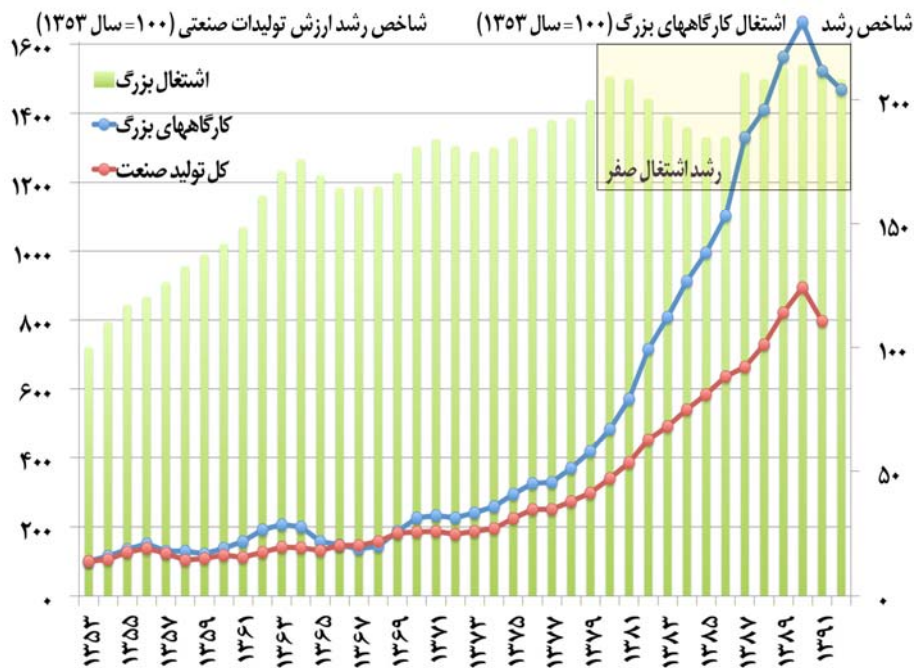
نمودار (۱۵) - روند سهم بخش‌های مولد (صنعتی و کشاورزی) و نفت از تولید ناخالص داخلی [۱]

طبق گزارش‌های رسمی، از ۸۸ هزار واحد صنعتی کشور، ۸۱ هزار واحد آن واحدهای صنعتی کوچک محسوب می‌شوند. از ۳۳،۸۴۲ واحد صنعتی به بهره‌برداری رسیده در شهرک‌های صنعتی (اغلب واحدهای کوچک و متوسط)، ۲۷،۶۸۳ واحد (۸۲ درصد) فعال هستند که در این میان ۹،۷۲۶ واحد با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد، ۹،۵۹۷ واحد با ظرفیت بین ۵۰ تا ۷۰ درصد و ۸،۳۶۰ واحد با ظرفیت بالای ۷۰ درصد فعالیت دارند. به عبارت دیگر نزدیک به نیمی از آنها تعطیل شده یا نیمه‌تعطیل هستند و فقط کمتر از یک-چهارم واحدها در شرایط نسبتاً قابل قبولی (با تولید بیش از هفتاد درصد ظرفیت اسمی) فعالیت دارند. هم اکنون صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی تحت فشارهای خریدکننده ناعادلانه و ضدرقابتی قرار دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- (۱) کاهش مستمر نرخ حقیقی تبدیل ارز و در نتیجه تنزل قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان و صادرکنندگان در بازارهای داخلی و خارجی،
- (۲) عدم دسترسی و هزینه بالای تامین مالی (سرمایه در گردش)، (۳) انتقال فشار بار مالیاتی به صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی، (۴) تسهیل واردات و تمرکز بار وارداتی بر صنایع کوچک و متوسط (سیاست‌های تعرفه‌ای)، (۵) اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بدون حمایت از تولید، (۶) معوقات بانکی و بدهی‌های انباشته ناشی از زیان‌دهی به علت فعالیت در زیر ظرفیت اقتصادی، (۷) افزایش عمومی هزینه‌های کسب و کار، (۸) فضای کسب و کار و قوانین و مقررات مخل تولید، (۹) افزایش مستمر هزینه‌های تولید به همراه سرکوب قیمت‌های فروش (با توجه به واردات با نرخ ارز تثبیت شده و رکود بازار فروش) و (۱۰) تنزل توان مصرف عامه مردم و تعمیق رکود



نمودار (۱۶) - روند سهم صنایع کوچک/متوسط و صنایع بزرگ از کل درآمد صنعتی (بر آورد) [۱]

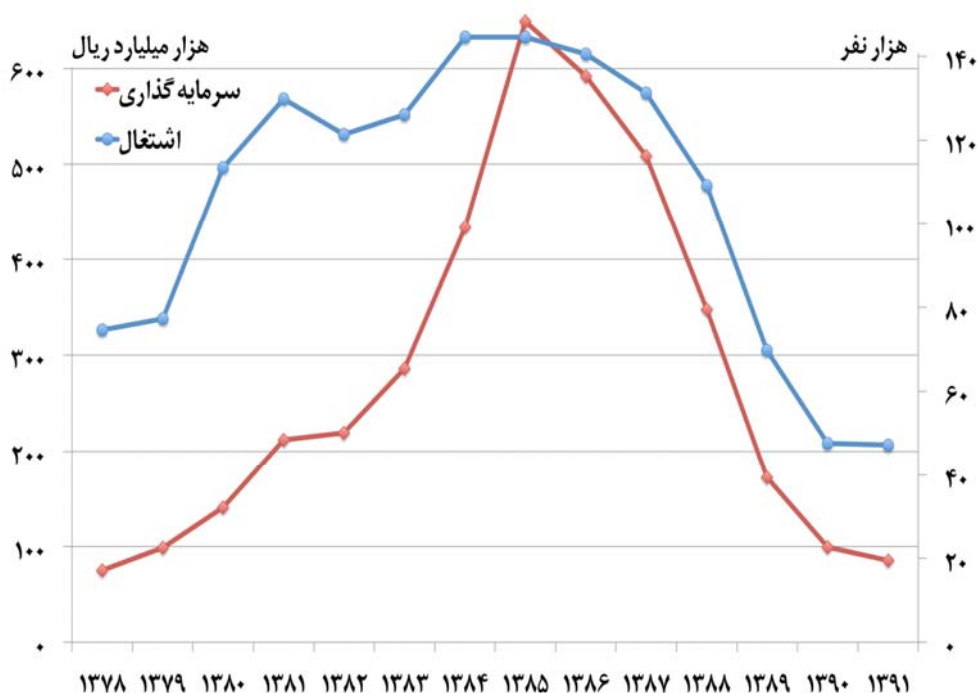


نمودار (۱۷) - شاخص رشد تولیدات و اشتغال کارگاههای بزرگ صنعتی [۱]، [۲۵]

عدم تامین نقدینگی، افزایش هزینه‌ها و بالطبع قیمت تمام شده، فشار واردات با ارز ارزان و شرایط رکودی بازار فروش منجر به کاهش توان اقتصادی و ورود تولیدکنندگان به چرخه منفی اقتصادی کاهنده شده است. مهمترین راهکار برون رفت اقتصاد از رکود تسهیل فعالیت و رفع تضییقات و تحمیلات کنونی بر روی بنگاه‌های کوچک و متوسط به عنوان نیروی پیشران است تا ضمن باز شدن گلوگاه اقتصاد کشور با ایجاد مشاغل جدید ارزش افزوده مولد و توان مصرف نیز افزایش یابد. در این راستا صنایع کوچک و متوسط از مزایای ذیل برای به حرکت درآوردن کل اقتصاد نیز برخوردار هستند.

(۱) سرعت بالای عملیاتی شدن و تاثیرگذاری مستقیم بنگاه‌های کوچک و متوسط (حلقه‌های نهایی صنعتی) بر روی صنایع بالادستی و

جنبی و بازار مصرف، (۲) توان ایجاد اشتغال بالا، (۳) کاهش قیمت تمام شده و قیمت فروش با توجه به افزایش تولید، (۴) خروج از چرخه کاهنده و ورود به چرخه فزاینده ارزش و سوددهی، (۵) انتقال سریع منابع دریافتی به بخش‌های دیگر و تحریک آن‌ها، (۶) تاثیر سریع بر فعال شدن دیگر حلقه‌های زنجیره تامین و (۷) افزایش مستقیم توان مصرف مردم



نمودار (۱۸) - روند سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال صنعتی (قیمت ثابت ۱۳۹۳) [۲۴]

جوزف شومپیتر یکی از سه اقتصاددان نامی جهان گفته است رشد اقتصادی هر کشوری مرهون تلاش کارآفرینان بوده و غفلت از سرمایه‌های اجتماعی و اتکاء به سرمایه و ماشین‌آلات باعث عقب‌ماندگی کشورها از روند رشد و توسعه می‌شود. او بر این باور بود که ابتکار عمل‌های کارآفرینان موجبات سرمایه‌گذاری‌ها و اشتغال جدید، افزایش تولید و رونق اقتصادی را فراهم می‌آورد. بخش پیشران حقیقی و واقعی هر اقتصادی نیروی کار و خلاقه و کارآفرینان هستند و صنایع بزرگ نیز در صورت ارتباط تنگاتنگ با صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی که به صورت زنجیره‌های عرضه، شبکه‌های پیمان‌کاری یا خوشه‌های صنعتی تعریف می‌گردد، می‌توانند به عنوان پشتیبان و مکمل و حلقه‌های اولیه یا نهایی این بخش محسوب گردند. در اغلب کشورها و به خصوص اقتصادهای توسعه یافته، به صورت متمرکز، مشخص و روشن از صنایع کوچک و متوسط و به صورت عام‌تر بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME) پشتیبانی می‌شود، اما در ایران به صورت ناقص و منفصل، امر راهبری و تسهیل فعالیت صنایع کوچک و متوسط بین سازمان‌هایی از قبیل صنایع کوچک، تعاون، دفاتر تخصصی وزارت صنعت، معدن و تجارت و دیگر مراکز دولتی دیگر (با بعضی خط‌مشی‌ها و دیدگاه‌های منسوخ) متفرق و تضعیف شده است.

## ۵- کژکارکردی‌ها و انحرافات اقتصاد کشور از اقتصاد مقاومتی و ارائه راهکارهای اصلاحی

چنان‌چه به اجمال تحلیل شد، اقتصاد کشور دچار کژکارکردی‌ها و معضلات متعددی شده که در نتیجه آن فعالیت‌های نامولد اقتصادی بر فعالیت‌های مولد غلبه یافته است. در این بخش از گزارش موضوعاتی در اقتصاد کشور که با اقتصاد مقاومتی تقابل یا زاویه دارد ذکر شده و راهکارهای پیشنهادی اصلاحی نیز ارائه می‌گردد.

### ۵-۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و سرمایه‌های کشور به منظور توسعه کارآفرینی و حداکثرسازی

مشارکت اقتصادی جمعی آحاد جامعه و ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط

اقدامات اساسی متناظر (۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیتهای و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۲) زنده کردن تولید داخلی، (۳) پرهیز از واردات برای نجات اقتصاد کشور تضعیف‌کننده تولید داخلی، (۴) احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده، (۵) شرط انتقال فناوری در معاملات خارجی، (۶) مبارزه‌ی جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور و (۷) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک (۱۳۹۵)

فقدان وجود هر گونه سیاست‌گذاری و ساز و کار اجرایی مشخص، معین، کارآمد و موثر در جهت بسیج امکانات و منابع مالی کشور برای توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت مردم و  
فقدان هر گونه حمایت و پشتیبانی لازم و کافی از بخش‌های مولد  
عدم غلبه نظام اقتصادی درست، سالم و مولد در کشور و تفوق و تسلط نیروهای نامولد و رانتی بر اقتصادی که به شدت درون‌گرا و برون‌زا، رانت‌جو و نامولد، فرصت‌سوز و کوتاه‌نگر شده است.  
بسیج سرمایه‌ها و توان اقتصادی کشور و انحراف گسترده تخصیص منابع از بخش‌های مولد به سمت بخش‌های نامولد «پولی (رباخواری)، ملکی (مستغلات) و واسطه‌گری (دلالی و واردات)» نظر به کسب درآمدهای بالا و در نتیجه تنزل شدید سرمایه‌گذاری در تولید (صنعتی و کشاورزی)  
عدم پشتیبانی جامع و کارآمد دولت از بنگاه‌ها (و صنایع) کوچک و متوسط  
فقدان بخش مسئول دولتی قدرتمند و کارآمد جهت اداره امور و تولید امور بنگاه‌های کوچک و متوسط  
فقدان ساز و کار لازم تأمین مالی و فقدان حمایت نظام بانکی از بنگاه‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی در جهت مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی و ارتقاء درآمد عامه  
عدم محوریت ایجاد اشتغال مولد به عنوان رکن اصلی نجات اقتصاد کشور  
کاهش اشتغال مولد و مفید و تنزل درآمد طبقات کم‌درآمد و متوسط جامعه و کاهش نقش آنها در فعالیتهای اقتصادی  
کاهش توان مصرف طبقات کم‌درآمد و متوسط در طی ۵ سال اخیر (به ویژه در شهرهای بزرگ)  
مضمحل شدن بخش مهمی از سرمایه‌های فیزیکی، مالی و انسانی کشور (سرمایه‌گذاری در ساختمان‌های تجملی و کالاهای مصرفی و از سوی دیگر کاهش اشتغال مولد)  
تفوق بخش نامولد بر بخش مولد تولید مسکن  
تورم بالای بخش مسکن و در نتیجه افزایش سهم آن از هزینه‌های خانوار و در نتیجه کاهش درآمد قابل مصرف عامه مردم و گسترش فقر  
نسبت تشکیل سرمایه پایین در بخش تولید ساختمان (ماشین‌آلات و تجهیزات)  
نسبت پایین تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی  
انحراف تخصیص منابع از کشاورزی به سمت بخش‌های نامولد و واردات مواد غذایی  
تخصیص زمین‌های مرغوب کشاورزی جهت فعالیتهای نامولد (از قبیل ویلاسازی)  
کاهش اشتغال مفید و درآمد روستائین و ساکنین شهرهای کوچک و نقاط محروم و مهاجرت آنها به حاشیه شهرهای بزرگ

بزرگ‌کردی‌ها و انحرافات

راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

- (۱) - بازآرایی و تجدید ساختار نهادها و ساختارهای اقتصادی کشور در جهت حمایت از بخش‌های مولد و اشتغال‌زای اقتصادی
- (۲) - افزایش هزینه فعالیتهای نامولد و کاهش هزینه فعالیتهای مولد (هزینه‌های کسب و کار)
- (۳) - افزایش درآمد طبقات کم‌درآمد و متوسط با محوریت اصلی اقتصاد در جهت ایجاد اشتغال مولد به عنوان مهم‌ترین عامل بهبود کیفیت زندگی مردم
- (۴) - حمایت و پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط و دیگر بنگاه‌های مولد و پشتیبان صنعت
- (۵) - تأمین مالی کارآمد و رقابتی صنایع کوچک و متوسط
- (۶) - تأسیس یک سازمان دولتی قدرتمند جهت پشتیبانی و اداره امور بنگاه‌های کوچک و متوسط (در حد و اندازه کشورهای دیگر)
- (۷) - ایجاد اشتغال مولد پایدار در شهرهای کوچک، روستاها و نقاط محروم

## ۵-۲- پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان و اجرای نقشه جامع علمی به منظور ارتقاء جایگاه جهانی و افزایش سهم تولید و

### صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول منطقه

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۵) دانش‌بنیان شدن بخش‌های مهم و حساس اقتصادی، (۷) شرط انتقال فناوری در معاملات خارجی و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
تجزیه‌کردنی‌ها و اجراها	<p>- شکاف فزاینده تا دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه</p> <p>- تفوق و تسلط سرمایه‌های مالی و تجاری بر نیروی کار و در نتیجه تضعیف نقش و اهمیت نیروی کار و به تبع آن نوآوری و فعالیت‌های دانش‌بنیان در زنجیره‌های تامین</p> <p>- کسب سودهای کلان از بکاراندازی سرمایه‌ها در فعالیت‌های سفته‌بازانه و سوداگرانه و در نتیجه نبود انگیزه‌ها و مشوق‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های دانش‌بنیان و تشکیل سرمایه انسانی نخبه در علوم و تکنولوژی</p> <p>- نبود منابع و هزینه بالای سرمایه جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های دانش‌بنیان صنعتی و کشاورزی (با توجه به عوامل زمان / ریسک / رقابت) و در نتیجه عدم توجه اقتصادی فعالیت‌های دانش‌بنیان</p> <p>- سهم بسیار ناچیز صادرات کالاها و خدمات دانش‌بنیان</p> <p>- فقدان ساختارها و نهادهای پشتیبان تولید و صادرات کالاها و خدمات دانش‌بنیان پشتیبان تولید</p> <p>- عدم وجود پشتیبانی‌ها و مشوق‌های لازم از تشکیل منابع انسانی در علوم و تکنولوژی</p> <p>- سهم و نقش پایین خدمات دانش‌بنیان در زنجیره‌های ارزش اقتصادی (طراحی، توسعه محصول، تامین، بازاریابی و برندینگ، خدمات مشتریان)</p> <p>- سهم بالای بخش‌های غیرمولد از درآمد زنجیره‌های تامین (بدون ارائه خدمات ارزش افزوده)</p> <p>- توجه پایین به نقش بی‌بدیل خدمات دانش‌بنیان کشاورزی در تولید محصولات کم‌آب‌خواه و افزایش بهره‌وری منابع و نیروی انسانی</p> <p>- میزان پایین بکارگیری فناوری‌های نوین در کشاورزی</p> <p>- عدم تشکیل سرمایه انسانی کارآمد و نخبه در تولید ساختمان</p> <p>- فناوری پایین تولید مسکن</p> <p>- توان ناچیز فنی صادرات خدمات ساختمانی دانش‌بنیان</p> <p>- عدم بکارگیری گسترده فناوری‌ها و مواد و مصالح نوین در تولید ساختمان (به ویژه ایمن‌سازی و کاهش مصرف انرژی)</p>
	<p>راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی</p> <p>(۱) - تغییر ساختارهای نهادی مشوق رانت، دلالتی و فساد به ساختارهای نهادی مشوق دانش، کارآیی و بهره‌وری</p> <p>(۲) - سرمایه‌گذاری در سخت‌زیرساخت‌های علوم و تکنولوژی</p> <p>(۳) - پشتیبانی از سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های بخش خصوصی دانش‌بنیان و ایجاد سرمایه انسانی در علوم و تکنولوژی</p> <p>(۴) - ایجاد و گسترش بنگاه‌های خدمات دانش‌بنیان مولد ارزش افزوده پشتیبان تولید صنعتی (طراحی، توسعه محصول، خدمات مهندسی، آموزش-های کاربردی، برون‌سپاری، بازاریابی و برندسازی، خدمات مشتریان)</p> <p>(۵) - تامین منابع مالی ارزان قیمت و کمک‌های بلاعوض جهت تحقیق و توسعه، نوآوری، خدمات دانش‌بنیان تولید و کسب و کار و تولید و صادرات کالاها و خدمات دانش‌بنیان</p> <p>(۶) - اعمال مشوق‌هایی از قبیل معافیت‌ها/تخفیف‌های مالیاتی، حمایت‌های مالی، کمک‌های بلاعوض نقدی، قیمت‌های ترجیحی برای هزینه‌های سرمایه‌گذاری و ... در زمینه‌های تحقیق و توسعه، تحقیق و نوآوری، خدمات دانش‌بنیان</p> <p>(۷) - حمایت از حقوق مالکیت معنوی</p> <p>(۸) - پشتیبانی از تحقیقات کشاورزی و مواد غذایی (افزایش بهره‌وری عوامل، تراریخته، کم‌آب‌خواه و ...)</p> <p>(۹) - پشتیبانی از تحقیقات و خدمات دانش‌بنیان مسکن و به خصوص فناوری انبوه‌سازی ساختمان، ایمن‌سازی و کاهش مصرف انرژی</p>



### ۵-۳- محوریت رشد بهره‌وری با تقویت عوامل تولید، توان‌مندسازی نیروی کار و رقابت‌پذیری و ایجاد بستر رقابت

#### بین مناطق و استان‌ها با بکارگیری ظرفیت‌ها

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توان‌مندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و بکارگیری ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۳) پرهیز از واردات تضعیف‌کننده تولید داخلی، (۶) احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده، (۹) ارتقای بهره‌وری انرژی و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
فقدان موضوعیت و عدم حمایت از محوریت رشد بهره‌وری، تقویت عوامل تولید، توان‌مندسازی نیروی کار و تقویت رقابت‌پذیری با توجه به وزنه سنگین سرمایه مالی و تجاری در اقتصاد	بزرگ‌کردنی‌ها و انحرافات
انحراف تخصیص منابع به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه و واسطه‌گری نظر به هزینه بالای سرمایه مالی و در نتیجه کاهش انگیزه جهت افزایش بهره‌وری بخش‌های مولد و نیروی کار و رقابت‌جویی عادلانه	
تفوق و تسلط بخش نامولد بر مولد (نیروی سرمایه و تجارت بر نیروی کار) و در نتیجه کاهش انگیزه‌های لازم جهت توانمندسازی نیروی کار	
بهره‌وری نازل نیروی کار کشور و رشد پایین آن	
کاهش قدرت رقابت نیروی کار در برابر واردات	
کاهش میزان اشتغال نیروی کار مولد	
تنزل مستمر نسبت ارزش افزوده به ارزش تولیدات صنعتی در ده سال اخیر	
اعمال سیاست‌های نیروی کار در جهت کاهش انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار و در نتیجه تنزل بهره‌وری	
عدم اعمال سیاست‌های اشتغال نیروی کار ترجیحی/تشویقی/منطقه‌ای با توجه به تفاوت‌های سطح زندگی و هزینه‌ای	
افزایش ۱۰ سال به متوسط سن امید به زندگی در ربع قرن اخیر و عدم تغییر سنوات لازم برای بازنشستگی	
بهره‌مندی بخش مسکن از سود نرخ‌های تورمی بالا و در نتیجه اهمیت پایین بهره‌وری در این بخش	
عدم حمایت از محوریت رشد بهره‌وری، تقویت عوامل تولید، توان‌مندسازی نیروی کار و تقویت رقابت‌پذیری در بخش کشاورزی	
عدم بهره‌وری کامل و استفاده پهنه از منابع آبی محدود کشور و ظرفیت‌های در دسترس بخش کشاورزی	
عدم محوریت توسعه کشاورزی کم‌آب‌خواه (آبیاری قطره‌ای، کشت گلخانه‌ای و ...)	
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
(۱) تسهیل فضای کسب و کار به ویژه جهت بخش‌های مولد اقتصادی (صنعتی و کشاورزی)	
(۲) تقویت نقش و سهم نیروی کار و نوآوری در برابر سرمایه مالی و تجاری	
(۳) گسترش زنجیره‌های تامین صنعتی مزیت‌دار و ایجاد عمق صنعتی در کشور	
(۴) توسعه صنایع پایین‌دستی معدنی، فلزی و پتروشیمی جهت ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی و توزیع عادلانه فرصت‌ها (تکمیل و تقویت زنجیره‌های صنعتی، معدنی/نفت/گاز، کشاورزی)	
(۵) محوریت ایجاد اشتغال مولد در برنامه‌های اقتصادی	
(۶) ایجاد ساختارهای پشتیبان توسعه صنعتی و به خصوص صنایع کوچک و متوسط (ارتقا و تقویت خوشه‌های صنعتی و اقتصادی)	
(۷) ترویج آموزش‌های کاربردی جهت ارتقا بهره‌وری	
(۸) اصلاح قوانین نیروی کار در جهت افزایش بهره‌وری	
(۹) اعمال حداقل دستمزدها بر پایه منطقه‌ای جهت تعادل‌بخشی توزیع و معیشت نیروی کار	
(۱۰) افزایش سنوات لازم جهت بازنشستگی	
(۱۱) یارانه حق بیمه صنایع کاربر	
(۱۲) تدوین برنامه توسعه کشاورزی بر پایه مزیت‌های منطقه‌ای و بهره‌وری بالا از منابع آب و خاک	
(۱۳) صنعتی‌سازی و مکانیزاسیون کشاورزی	

## ۴-۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش

### سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت و کارآفرینی

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۵) دانش‌بنیان شدن بخش‌های مهم و حساس اقتصادی، (۶) احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
تجزیه‌گردها و انحرافات	<p>- تخصیص ناعادلانه، نامتناسب و نامتوازن درآمدها و منافع زنجیره‌های تامین کشور بین بخش‌های مولد و نامولد</p> <p>- سهم‌بری بالا، ناعادلانه و نامتناسب سرمایه، مستغلات و واسطه‌گری (بدون ایفای نقش سازنده) در زنجیره تامین و در مقابل سهم پایین نیروی انسانی</p> <p>- هزینه بالای سرمایه مالی (اولین رتبه جهانی نرخ سود بانکی) و در نتیجه افزایش قابل توجه هزینه تولید داخلی به میزان حداقل ۱۰ درصد بیش از کشورهای دیگر</p> <p>- تقویت سرمایه مالی و تجاری و تضعیف و تحدید نیروی کار</p> <p>- سهم بالای هزینه محل کار از بهای فروش (دو برابر متوسط جهانی)</p> <p>- سهم‌بری بالا، ناعادلانه و نامتناسب بخش توزیع (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) از منافع در زنجیره تامین و در مقابل کاهش سهم بخش‌های مولد</p> <p>- تخصیص ناعادلانه منابع، امکانات و منافع بین عوامل زنجیره تامین در شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک و مناطق روستایی</p> <p>- عدم توجه لازم به ارتقاء مهارت و خلاقیت نیروی انسانی</p> <p>- سهم‌بری بالا، ناعادلانه و نامتناسب سرمایه ملکی (سهم هزینه زمین و عوارض: ۳۰ درصد) و سود ذینفعان ساخت و ساز (شامل هزینه سرمایه: ۵۰-۴۰ درصد) و از سوی دیگر سهم پایین نیروی انسانی از قیمت فروش مسکن: ۱۰ درصد. نظر به این که منافع کلان بخش ساختمان از رانت زمین و سرمایه ناشی شده و خلاقیت، کارآفرینی و بهره‌وری نقش مهمی را ایفا نمی‌کند، لذا ارتقاء کیفیت نیروی انسانی و شرایط کار در تولید مسکن موضوعیت پیدا نمی‌کند.</p> <p>- سهم‌بری ناچیز بخش کشاورزی از منافع و درآمد تولیدات غذایی و زنجیره تامین معیوب مواد غذایی کشور</p>
	<p>راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی</p> <p>(۱) - ارتقا و تقویت نقش و سهم نیروی کار و نوآوری در برابر سرمایه مالی و تجاری</p> <p>(۲) - پشتیبانی و تمرکز بر توسعه صنایع پایین‌دستی اشتغال‌زا و ایجادکننده ارزش افزوده معدنی، فلزی و پتروشیمی (ضمن صنایع بزرگ بالادستی)</p> <p>(۳) - محوریت ایجاد اشتغال مولد در برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی</p> <p>(۴) - ایجاد ساختارهای پشتیبان صنایع کوچک و متوسط (ارتقا و تقویت خوشه‌های صنعتی و اقتصادی)</p> <p>(۵) - حمایت از توسعه صنایع کوچک و متوسط</p> <p>(۶) - رقابتی‌سازی شرایط فعالیت و هزینه‌های کسب و کار صنایع کوچک و متوسط</p> <p>(۷) - برنامه‌ریزی و انجام اقدامات اجرایی در جهت کاهش سهم هزینه‌های واسطه‌ای</p> <p>(۸) - حمایت از گسترش خدمات توسعه کسب و کار (با تمرکز بر خدمات دانش‌بنیان)</p> <p>(۹) - تجدید ساختار و بازسازی و نوسازی شبکه توزیع کشور (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی)</p> <p>(۱۰) - متوازن‌سازی، متناسب‌سازی و متعادل‌سازی سه‌وجهی تولید-تجارت-خدمات</p>

۵-۵- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی و راهبردی (به ویژه وارداتی) و ایجاد تنوع در مبادی تامین

کالاهای وارداتی

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به ویژه اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تامین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۲) زنده کردن تولید داخلی، (۳) پرهیز از واردات تضعیف‌کننده تولید داخلی، (۴) احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
تجزیه‌کردنی‌ها و انحرافات:	<ul style="list-style-type: none"> <li>- وابستگی شدید به واردات کالاهای ارزان قیمت و معمولاً با کیفیت پایین از چین و کشورهای آسیایی</li> <li>- وابستگی بسیار بالا به امارات متحده عربی جهت واسطه مبادلات تجاری با کشورهای دیگر بدون توجه لازم و کسب منافع ملی (حتی قبل از تحریم‌ها) و همچنین بروز تخلفات گسترده گمرکی در تجارت با این کشور</li> <li>- واردات گسترده کالاهای مصرفی بی کیفیت (با امکان ساخت داخل) با وجود رکود تولید داخلی</li> <li>- افزایش وابستگی زنجیره‌های تولید داخلی به واردات کالاهای نیمه‌ساخته و نهایی و مونتاژ و بسته‌بندی آنها و کاهش عمق صنعتی کشور</li> <li>- ساز و کار پشتیبان واردات تولیدات کشاورزی و مواد غذایی</li> <li>- فقدان شفافیت اطلاعاتی در زمینه واردات اقلام و کالاهای اساسی</li> <li>- تولید اقلام غیرراهبردی و پرآب‌خواه در بخش کشاورزی</li> <li>- اتکای بالای بخش دامپروری به نهاده‌های وارداتی</li> </ul>
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>(۱) - توقف واردات کالاهای ارزان قیمت و بی کیفیت</li> <li>(۲) - حذف کشورهای واسطه تجاری بین ایران و جهان</li> <li>(۳) - مدیریت واردات کالاهای نیمه‌ساخته و نهایی (با ابزارهایی از قبیل افزایش حقوق و عوارض گمرکی) در جهت افزایش عمق صنعتی کشور و اجتناب از رشد صنایع مونتاژ وابسته</li> <li>(۴) - اطلاع‌رسانی مستمر و شفاف در زمینه واردات اقلام و کالاهای اساسی</li> <li>(۴) - برنامه‌ریزی در جهت تولید و مصرف اقلام کشاورزی کم‌آب خواه</li> <li>(۵) - برنامه‌ریزی در جهت کاهش نیاز بخش‌های کشاورزی و دامپروری و صنایع غذایی به نهاده‌های وارداتی</li> </ul>	

## ۵-۶- مدیریت مصرف با تأکید بر اصلاح الگوی مصرف و ترویج کالاهای داخلی همراه با ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری

در تولید

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۲) زنده کردن تولید داخلی، (۳) پرهیز از واردات تضعیف‌کننده‌ی تولید داخلی، (۴) احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده، (۸) مبارزه‌ی جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
کمز کار کردی‌ها و انحرافات	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم پشتیبانی از ترویج مصرف کالاهای داخلی</li> <li>- عملکرد بخش توزیع در جهت پشتیبانی از بازاریابی و فروش و ترویج مصرف کالاهای خارجی</li> <li>- ساز و کار غالب بر زنجیره تامین در جهت کاهش رقابت پذیری تولید داخلی</li> <li>- ضعف برندینگ و مدیریت خدمات مشتریان تولیدکنندگان داخلی</li> <li>- عدم حمایت از برندهای داخلی</li> <li>- واردات گسترده اقلام تقلبی (با برند و مشخصات جعلی)</li> <li>- واردات کالاهای بدون استاندارد و فاقد حداقل استانداردهای کیفی</li> <li>- واردات کالاهای از رده خارج شده و درجه دو</li> <li>- الگوهای مصرف غذایی مبتنی بر تولیدات کشاورزی (مواد غذایی) پرآب‌خواه و وارداتی</li> <li>- میزان ضایعات و اتلاف بالا در زنجیره‌های تامین مواد غذایی کشور</li> <li>- سیستم سنتی فرآوری و توزیع مواد غذایی</li> <li>- تولید بی‌رویه و افزون بر نیاز ساختمان‌های تجملی و تفریحی</li> <li>- رشد تدریجی زیربنای متوسط ساختمان‌های مسکونی به رغم کاهش ابعاد خانوار و توان تهیه مسکن</li> <li>- شکاف عظیم بین قیمت‌های عرضه و توان خرید مسکن</li> <li>- کیفیت نازل ساخت مسکن</li> </ul>
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<ol style="list-style-type: none"> <li>(۱) - کاهش هزینه‌ها و تسهیل فضای کسب و کار تولیدکنندگان داخلی</li> <li>(۲) - رقابتی‌سازی شرایط تولید داخلی</li> <li>(۳) - حمایت همه‌جانبه دستگاه‌های اجرایی و رسانه‌های جمعی در جهت فرهنگ‌سازی مصرف تولیدات داخلی</li> <li>(۴) - پشتیبانی از برندهای ملی و برندسازی</li> <li>(۵) - نوسازی و بازسازی زنجیره‌های تامین (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی)</li> <li>(۶) - کنترل اصالت و هویت برند و مشخصات کالاها در مبادی ورودی و در بخش عرضه</li> <li>(۷) - کنترل استانداردهای کالاهای وارداتی</li> <li>(۸) - مدیریت زنجیره تامین مواد غذایی کشور</li> <li>(۹) - مدیریت زنجیره تولید مسکن و اعمال استانداردهای ساخت و ساز</li> </ol>	

## ۵-۷- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصادی، ایجاد ثبات اقتصادی و

### تقویت بخش واقعی

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصادی ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۲) زنده کردن تولید داخلی، (۶) احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده، (۸) مبارزه‌ی جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
<p>کریا کارکردی‌ها و انحرافات</p>	<p>- فاصله زیاد وضعیت کنونی نظام بانکی از بانک‌داری اسلامی و غیرربوبی و همچنین نبود هرگونه نزدیکی و قرابت با نظام بانکی متری و حامی نیروهای مولد اقتصادهای پیشرفته. در مجموع سیستم بانکی کشور نه دارای وجوه متعالی بانک‌داری اسلامی و نه دارای محاسن بانک‌داری غربی است.</p> <p>- رقابت نظام مالی و سیستم بانکی کشور با بخش‌های مولد موجود اشتغال. سیستم بانکی به جای آن که تسهیل‌گر و حمایت‌کننده فعالیت‌های مولد اقتصادی باشد، خود به بزرگترین مانع بر سر راه تحرک اقتصاد مولد مبدل شده و به جای وسیله‌ای برای توسعه اقتصادی با هدف کسب منافع رانتهی به عامل ضد توسعه تبدیل گردیده است.</p> <p>- تضعیف و تحقیر نیروی کار و تلاش در برابر سرمایه و سلطه ربا بر اقتصاد کشور</p> <p>- نیاز جدی به تجدید ساختار و اصلاح بنیادی نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای توسعه و اقتصاد ملی</p> <p>- کارآمدی، کارآیی و تاثیرگذاری ناکافی نظام بانکی جهت توسعه و رقابتی‌سازی صنعتی و کشاورزی</p> <p>- سود بالای سیستم بانکی کشور (به صورت رسمی بیش از ۴ برابر متوسط ۱۵۰ کشور جهان)</p> <p>- تبدیل بانک‌های خصوصی به زهکش منابع مالی کشور</p> <p>- تعداد بالا و نامتعارف شعب بانکی با شعب بانکی زبان‌ده</p> <p>- رقابت شبکه بانکی با بخش فروشگاهی (خرده‌فروشی و خدماتی) در تصاحب مکان‌های تجاری و به خصوص خیابان‌های اصلی و در نتیجه افزایش هزینه‌های ملکی کسب و کار به میزان در حدود دو برابر جهانی</p> <p>- فقدان تامین مالی صادرات با نرخ‌های رقابتی</p> <p>- حمایت‌های متنوع سیستم بانکی کشور از واردات (از قبیل مکانیزم پرداخت مدت‌دار از طریق اعتبار اسنادی مدت‌دار با نرخ‌های سود بانکی پایین)</p> <p>- ورود گسترده بانک‌ها (به ویژه خصوصی) و بنگاه‌های وابسته به آنها به بازار مستغلات و تولید مسکن، بدون تاکید بر تخصصی‌سازی در این زمینه</p> <p>- تزریق منابع عظیم مالی از طرف بانک‌ها به مستغلات و در نتیجه بروز نرخ‌های تورمی بالا در این بخش</p>
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<p>(۱) - تجدید ساختار، اصلاحات بنیادی و نوسازی و بازسازی سیستم بانکی کشور</p> <p>(۲) - جهت‌دهی نظام بانکی به سمت پشتیبانی از بخش واقعی اقتصاد</p> <p>(۳) - تعیین تکلیف بانک‌های بد (ورشکسته) و جلوگیری از اخلال آنها در نظام اقتصادی کشور</p> <p>(۴) - کاهش و منطقی‌سازی و رقابتی‌سازی نرخ‌های سود بانکی</p> <p>(۵) - کنترل سیستم بانکی در جهت اجتناب از بنگاه‌داری، سفته‌بازی در مستغلات و واردات</p> <p>(۶) - کوچک‌سازی و چابک‌سازی سیستم بانکی و کاهش تعداد شعب بانکی و سطح حضور آنها در خیابان‌های اصلی شهرها</p> <p>(۷) - تامین مالی رقابتی بخش‌های مولد اقتصادی خصوصی واقعی (صنایع کوچک و متوسط) و تزریق منابع مالی به آنها جهت خروج از رکود و ایجاد اشتغال مولد</p> <p>(۸) - ایجاد حوزه بانکی تخصصی صنایع (بنگاه‌های) کوچک و متوسط</p> <p>(۹) - تعیین تکلیف تسهیلات معوق بانکی (با تمایز بین وام‌گیرندگانی که مولد بوده و خود قربانی شرایط و ساز و کارهای ضد تولید هستند و آنها که تسهیلات بانکی را صرف فعالیت‌های نامولد و سوداگرانه کرده‌اند).</p>	

## ۵-۸- حمایت همه‌جانبه از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و برنامه‌ریزی تولید صادرات محور

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت. برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۲) زنده کردن تولید داخلی، (۵) دانش‌بنیان شدن بخش‌های مهم و حساس اقتصادی، (۶) احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
<p>فقدان فرهنگ صادرات محور و راهبرد توسعه صنعتی متکی بر صادرات</p> <p>عدم وجود حمایت‌ها و مشوق‌های پشتیبان صادرات در حد و اندازه کشورهای رقیب</p> <p>اتکا به صادرات مواد خام و اولیه (با ایجاد ارزش افزوده و اشتغالزایی پایین) و نبود مکانیزم حامی و مروج صادرات بر حسب ایجاد ارزش افزوده و اشتغال</p> <p>ساز و کار حاکم بر اقتصاد، نامتناسب و نامناسب با توسعه صادرات</p> <p>عدم استفاده از موقعیت خاص ترانزیتی کشور برای ارائه خدمات به ۸ کشور محصور در خشکی منطقه و همسایه</p> <p>عدم پشتیبانی از تقویت پیوندهای تجاری عمیق و قدرتمند با کشورهایی از قبیل عراق، افغانستان، ارمنستان و گرجستان و کشورهای آسیای میانه</p> <p>فقدان ارتباط و تعامل قوی و کارآمد با بازارهای صادراتی عراق و افغانستان جهت افزایش صادرات</p> <p>عدم تمرکز و همکاری فعال و موثر سفارتخانه‌ها در جهت نیل به اهداف اقتصادی. موضوعات اقتصادی اولویت سوم (پس از سیاسی و فرهنگی) و بنیه کارشناسی تجاری ناکافی</p> <p>توان ضعیف فنی و اجرایی بخش ساختمان کشور در صادرات خدمات ساختمانی و حضور ناچیز در بازارهای منطقه‌ای</p> <p>سهم بالای مواد غذایی خام در صادرات کشور</p> <p>ارزش افزوده پایین اقلام صادراتی غذایی کشور</p> <p>صادرات اقلام غیرراهبردی و پرآب‌خواه از قبیل محصولات جالیزی</p>	<p>بزرگ‌گروهای و انجمن‌ها</p>
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<p>(۱) - برنامه‌ریزی و حمایت مستمر و کافی دولت در جهت توسعه صادرات (در حد و اندازه کشورهای پیشرو)</p> <p>(۲) - عقد قراردادهای و توافقنامه‌های تسهیل‌کننده صادرات (تجارت دوجانبه و آزاد) با بازارهای صادراتی هدف</p> <p>(۳) - اقدامات اجرایی در جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی</p> <p>(۴) - تسهیل و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی</p> <p>(۵) - برنامه‌ریزی جهت افزایش سطح نفوذ در بازارهای منطقه‌ای</p> <p>(۶) - پشتیبانی موثر و کارآمد دستگاه سیاست خارجی کشور از صادرات</p> <p>(۷) - استفاده از پتانسیل‌های ترانزیتی کشور برای توسعه تجارت</p> <p>(۸) - تامین مالی ارزان‌قیمت و پرداخت یارانه‌ها و کمک‌های بلاعوض جهت پشتیبانی از صادرات</p> <p>(۹) - پشتیبانی و تمرکز بر صادرات کالاها و سرمایه‌ای و مصرفی نهایی (با اشتغال‌زایی و ایجاد ارزش افزوده) به جای مواد خام و اولیه</p> <p>(۱۰) - حمایت از صادرات مبتنی بر ایجاد اشتغال مولد</p> <p>(۱۱) - پشتیبانی از شکل‌گیری مناطق و خوشه‌های صادراتی</p> <p>(۱۲) - رقابتی‌سازی شرایط فعالیت و هزینه‌های کسب و کار تولیدات صادراتی و صنایع کوچک و متوسط</p> <p>(۱۳) - برنامه‌ریزی و انجام اقدامات اجرایی در جهت کاهش سهم هزینه‌های واسطه‌ای</p> <p>(۱۴) - حمایت از گسترش خدمات توسعه کسب و کار پشتیبان صادرات (با تمرکز بر خدمات دانش‌بنیان)</p> <p>(۱۵) - حمایت از صادرات کالاها و خدمات ساختمانی و حضور صنعت ساختمان کشور در بازارهای منطقه‌ای</p> <p>(۱۶) - تغییر جهت از صادرات مواد غذایی خام و اقلام پرآب‌خواه به سمت مواد غذایی فرآوری شده و کم‌آب‌خواه با ارزش افزوده بالا</p>	

۵-۹- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در جهت انتقال فناوری و گسترش و تسهیل تولید و صادرات

کالاها و خدمات

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید و صادرات کالاها و خدمات و تامین نیازهای ضروری و منابع مالی	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۲) زنده کردن تولید داخلی، (۳) پرهیز از واردات تضعیف‌کننده تولید داخلی، (۸) مبارزه جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور، (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
تبدیل مناطق آزاد کشور به گذرگاه‌های وارداتی (و قاچاق) و در مقابل میزان صادرات پایین - عدم شکل‌گیری واحدهای تولیدی جهت‌گیری شده صادراتی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور - میزان ایجاد اشتغال مولد پایین در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی - میزان ناچیز سرمایه‌گذاری خارجی - عدم تحقق اهداف تاسیس مناطق آزاد و ویژه اقتصادی - فقدان شکل‌گیری زنجیره‌های تولیدی بین واحدهای داخل کشور (سرزمین اصلی) و واحدهای مستقر در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی - منفعت‌رسانی اقتصادی پایین مناطق آزاد و ویژه به مناطق همجوار در کشور و از سوی دیگر منفعت‌رسانی اقتصادی بالای آنها به کشورهای دیگر - تمرکز بر گسترش کمی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، بدون در نظر گرفتن نتایج و دستاوردهای کیفی و توجیه اقتصادی	بزرگ‌گرمی‌ها و انجمن‌ها
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<p>(۱) - توقف گسترش کمی و تمرکز بر توسعه کیفی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی</p> <p>(۲) - جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی با ارائه مشوق‌های لازم</p> <p>(۳) - تخصصی‌سازی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی</p> <p>(۴) - ایجاد زنجیره‌های ارزش بین واحدهای داخل (کشور) و واحدهای مستقر در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی</p> <p>(۵) - بکارگیری مشاورین کارآمد جهت برنامه‌ریزی توسعه و بازاریابی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی</p>	

## ۵-۱۰- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵) کوچک	(۲) زنده کردن تولید داخلی، (۸) مبارزه‌ی جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و
تکرار کردی‌ها و انحرافات:	<p>- انتقال فشار پرداخت مالیات به بخش تولید</p> <p>- سهم بالای مالیاتی نیروهای مولد، کارآفرینان و اقشار حقوق‌بگیر نسبت به بخش‌های نامولد با درآمدهای به مراتب بالاتر</p> <p>- عدم اخذ مالیات از بخش‌های توزیعی (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) و انتقال آن به بخش تولید</p> <p>- اخذ مالیات ناچیز از درآمدهای کلان بخش‌های نامولد بهره‌مند از منافع کلان (سرمایه، مستغلات و واسطه‌گری)</p> <p>- عدم اخذ مالیات از درآمدهای کلان بانکی و سودهای بالای سپرده‌های بانکی و فعالیت‌های جنبی (به ویژه تجاری و در بنگاه‌های وابسته) سیستم بانکی</p> <p>- عدم وصول بخش مهمی از درآمدهای دولت از محل مالیات و حقوق گمرکی واردات با توجه به وجود قاچاق و قوانین تخلف‌زا و تخلفات گسترده در گمرک‌ها (عدم اظهار، کم‌اظهاری و بداظهاری جهت گریز مالیاتی و حقوق و عوارض واردات)</p> <p>- ضعف در وصول مالیات از بخش توزیع (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) کشور با توجه به ماهیت عقب‌مانده، سنتی و نامتشکل آن</p> <p>- سهم بسیار ناچیز بخش مستغلات و مسکن از مالیات‌ها و عدم اخذ مالیات از درآمدهای کلان بخش مستغلات از قبیل: (۱) عایدی سرمایه (ارزش افزوده زمین)، (۲) زمین بایر، (۳) خانه‌های خالی، (۴) ساختمان نیمه‌ساز، (۵) مسکن مازاد (املاک مازاد بر احتیاج یک خانوار)، (۶) مسکن لوکس و ویلا (بر اساس سطح زیربنا، منطقه و ...)، (۷) ارزش افزوده تولید ساختمان، (۸) محیط زیست (ساختمان‌های ویلایی واقع در مناطقی از قبیل جنگل‌ها و کناره رودخانه‌ها)، (۹) اراضی کشاورزی (ساخت و ساز در اراضی کشاورزی)، (۱۰) نقل و انتقال (واقعی سازی)، (۱۱) ارث املاک و (۱۲) اجاره ساختمان (واقعی و منطقی سازی)</p> <p>- معافیت بخش‌های مهمی از اقتصاد از پرداخت مالیات</p> <p>- عدم وصول مالیات از دارایی‌ها و تشکیل سرمایه در بخش‌های تجملی و غیرمولد</p> <p>- سهم بسیار ناچیز مالیات ثروت در سید مالیاتی کشور</p>
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<p>(۱) - توزیع عادلانه مالیات‌ستانی و حرکت به سمت نرم‌های توزیع مالیات در اقتصادهای توسعه یافته</p> <p>(۲) - تغییر جهت تمرکز مالیات‌ستانی از بخش مولد (به خصوص صنایع کوچک و متوسط) به سمت بخش‌های نامولد (مستغلات، بانکی و بازرگانی واردات)</p> <p>(۳) - انتقال فشار اخذ مالیات ارزش افزوده از صنعت به بخش توزیع</p> <p>(۴) - اخذ مالیات از درآمدهای کلان در زمینه‌های سپرده‌گذاری بانکی، سفته‌بازی مستغلات و بازرگانی واردات</p> <p>(۵) - اخذ مالیات از بسیاری از بخش‌های اقتصادی معاف از مالیات</p> <p>(۶) - انتقال بار اخذ مالیات از بنگاه‌ها (و به خصوص بنگاه‌های مولد) به سمت ثروت، مستغلات، اشخاص و مصرف</p> <p>(۷) - اخذ مالیات مستغلات و مسکن در حد و اندازه کشورهای دیگر و متناسب با درآمد آنها</p> <p>(۸) - اخذ مالیات متناسب با درآمد از بخش‌های خدماتی</p>	



۵-۱۱- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های

پولی، تجاری، ارزی و ...

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۸) مبارزه‌ی جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور
<p>کریاگردها و انتقادات</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- وجود ساختارها و مکانیزم‌های توزیع‌کننده رانت در بخش‌های منتخب و بالطبع ایجاد فساد</li> <li>- پرداخت اندک مالیات و عوارض توسط بخش‌های نامولد با کسب منافع کلان</li> <li>- عدم کنترل فعالیت بانک‌ها و به خصوص بانک‌های خصوصی در زمینه موارد شبه‌آلود به فساد و پول‌شویی</li> <li>- بنگاهداری گسترده و انجام فعالیت‌های اختلال‌زا، نامرتب، تورم‌زا و نامولد توسط بانک‌ها</li> <li>- عدم کنترل فعالیت بانک‌ها و به خصوص بانک‌های خصوصی در زمینه فعالیت‌های سفته‌بازانه مستغلات</li> <li>- عمومیت و شیوع مغایرت‌های گمرکی با پوشش قانونی (با توجه به تعدد گمرک‌ها و عدم تخصصی‌سازی)</li> <li>- فساد و تخلفات گمرکی گسترده در صادرات و واردات (کم‌اظهاری، بیش‌اظهاری، عدم‌اظهاری و بداظهاری)</li> <li>- قاچاق گسترده ورودی و خروجی</li> <li>- شفافیت پایین در امر تجارت خارجی و به خصوص کالاها و اقلام اساسی و خریدهای دولتی</li> <li>- فعالیت شدید و موثر لابی‌های حامی واردات تولیدات کشاورزی و مواد غذایی</li> <li>- فقدان شفافیت اطلاعاتی لازم در زمینه واردات تولیدات کشاورزی و غذایی و دیگر اقلام و نهاده‌های کلیدی</li> <li>- مشارکت وسیع بخش بازرگانی در توزیع کالاهای قاچاق</li> <li>- عدم وجود قوانین و مقررات مانع توزیع و ترویج مصرف کالاهای قاچاق</li> <li>- وجود پول‌های کثیف ناشی از فعالیت بخش‌های غیررسمی و غیرشفاف اقتصاد و به ویژه تجارت‌های غیرقانونی</li> </ul>	
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>(۱)- اجرای نظام جامع مالیات‌ستانی عادلانه با نرم‌های توزیع مالیات مشابه اقتصادهای توسعه یافته</li> <li>(۲)- اخذ مالیات از درآمدهای کلان از قبیل مالیات عایدی سرمایه، ثروت و موارد مشابه</li> <li>(۳)- کنترل سیستم بانکی جهت جلوگیری از ورود به بنگاهداری و واسطه‌گری و سفته‌بازی در مستغلات و کالاها</li> <li>(۴)- کنترل سیستم بانکی جهت مبارزه با پول‌شویی و مبادلات غیرقانونی</li> <li>(۵)- سازماندهی و نوسازی گمرک‌ها (کاهش تعداد، تخصصی‌سازی و اعمال مکانیزم‌های کنترلی)</li> <li>(۶)- منطقی‌سازی قوانین و مقررات گمرکی در رابطه با تعیین ارزش و موارد دیگر</li> <li>(۷)- مبارزه جدی و همه‌جانبه با قاچاق گسترده</li> <li>(۸)- شفاف‌سازی تجارت خارجی به ویژه در بخش دولتی</li> <li>(۹)- بازسازی و نوسازی بخش تجاری توزیع (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی)</li> </ul>	

۵-۱۲- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال

مولد

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۱) شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور، (۲) زنده کردن تولید داخلی، (۳) پرهیز از واردات تضعیف‌کننده تولید داخلی، (۴) احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده، (۵) مبارزه جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور و (۱۰) نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک
نیز کارکردها و انحرافات	<ul style="list-style-type: none"> <li>- غلبه فرهنگ سودجویی، رانت‌جویی و رباخواری بر فرهنگ مولد جهادی و در نتیجه کاهش میزان اشتغال مولد و به تبع آن تنزل ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و بهره‌وری و از بین رفتن ثروت‌های مادی، انسانی و اجتماعی ملی</li> <li>- عدم محوریت ایجاد اشتغال مولد به عنوان رکن اصلی برون‌رفت از وضعیت کنونی</li> <li>- غلبه نظام و ساز و کار اقتصادی و فرهنگ مصرفی-واردات‌محور به جای فرهنگ تولیدی-صادرات‌محور</li> <li>- انحراف تشکیل سرمایه در کشور به سمت بخش‌های نامولد رانتهی و سهم پایین و تنزل مستمر سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد صنعتی و کشاورزی در پانزده سال اخیر</li> <li>- سهم بالا و نامتعارف بخش‌های با غلبه نامولد مستغلات، بازرگانی و بانکی از درآمد ملی و در مقابل سهم پایین بخش‌های مولد صنعتی و کشاورزی</li> </ul>
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>(۱)- مبارزه با فساد، ویژه‌خواری و رانت‌خواری</li> <li>(۲)- قطع مجراهای کسب درآمدهای رانتهی کلان</li> <li>(۳)- اخذ مالیات از درآمدهای کلان بخش‌های نامولد</li> <li>(۴)- پشتیبانی از بخش‌های مولد و اشتغال مولد</li> <li>(۵)- حمایت همه‌جانبه از تولید داخلی و مصرف کالاهای داخلی</li> <li>(۶)- پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط</li> <li>(۷)- سیاست‌گذاری‌ها و انجام اقدامات موثر در جهت سوق دادن سرمایه‌ها در جهت فعالیت‌های مولد و افزایش سهم صنعت و کشاورزی از تشکیل سرمایه در کشور</li> </ul>	

## ۵-۱۳- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار

سیاست کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲): شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار	
اقدامات اساسی متناظر برای نجات اقتصاد کشور (۱۳۹۵)	(۸) مبارزه‌ی جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور
تجزیه و تحلیل‌ها و انحرافات	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نظام توزیع (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) سنتی، نامتشکل و عقب‌افتاده با کارآمدی و کارآیی پایین و هزینه و اتلاف بالا</li> <li>- سیستم واسطه‌گری چندلایه مخل عملکرد بخش‌های مولد در زنجیره‌های تامین کشور</li> <li>- سهم‌بری بالا، نامتناسب و نامتعادل بخش توزیع از منافع زنجیره تامین</li> <li>- عدم ارائه خدمات ارزش افزوده توسط بخش توزیع</li> <li>- نظام توزیع (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) متفرق و نامتشکل با امکان بکارگیری دشوار روش‌های نظارت بازار مدرن</li> <li>- زنجیره‌های تامین معیوب اقتصادی</li> <li>- اختلال جدی بخش توزیع در عملکرد زنجیره‌های تامین صنعتی و کشاورزی</li> <li>- هزینه‌های واسطه‌ای بالا</li> </ul>
راهکارهای پیشنهادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	
<p>(۱)- بازسازی و نوسازی بخش توزیع کشور از طریق:</p> <p>الف- ایجاد شبکه‌های زنجیره‌های خرده‌فروشی متشکل با تکیه بر ایجاد خرده‌فروشان بزرگ</p> <p>ب- پشتیبانی از گسترش شبکه‌های زنجیره‌ای خرده‌فروشی تخصصی</p> <p>ج- پشتیبانی از گسترش شبکه‌های زنجیره‌ای خرده‌فروشی تخصصی برنمدار</p> <p>د- پشتیبانی از گسترش شبکه‌های زنجیره‌ای خرده‌فروشی وابسته به تولیدکنندگان داخلی</p> <p>ه- ایجاد مراکز فروش بزرگ (شامل بخش‌های خرده‌فروشی فوق‌الذکر) در نواحی حاشیه‌ای شهری (جهت کاهش هزینه زمین و ایجاد امکانات تفریحی)</p> <p>و- توسعه تجارت الکترونیگ</p> <p>(۲)- پشتیبانی دولت و شهرداری‌ها از تحقق اهداف فوق‌الذکر</p> <p>(۳)- کاهش هزینه‌های واسطه‌ای و حذف بخش‌های واسطه‌گری و دلالی با تامین مناسب و موثر سرمایه در گردش بخش تولید</p> <p>(۴)- افزایش سطح و میزان خدمات ارزش افزوده در زنجیره‌های تامین</p> <p>(۵)- ایجاد موسسات ارائه‌دهنده خدمات توسعه کسب و کار در بخش بازرگانی</p> <p>(۶)- کنترل توزیع کالاهای قاچاق و ترویج مصرف آن در سطح کشور (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی)</p>	

## ۶- نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور که با تضعیف و تحدید نیروهای مولد و تعمیق رکود تورمی توأم گردیده است، تنها راه‌حل ممکن و در پیش رو این است که ساختار نهادی مشوق رانت، دلالی و فساد باید جای خود را به ساختار نهادی مشوق دانش، کارآیی و بهره‌وری بدهد. بنابراین ضمن آن که باید فعالیت‌های نامولد کنترل و مدیریت شوند، نیاز به یک برنامه ملی حمایتی از تولید داخلی و نوآوری است. در این راستا ایجاد اشتغال مولد و دانش‌بنیان می‌تواند محور اقدامات اجرایی قرار گیرد. در رابطه با مفاد «اقتصاد مقاومتی» و «ده اقدام اساسی برای نجات کشور»، نتیجه‌گیری‌ها و بیش از ۱۰۰ راهکار اصلاحی پیشنهادی ذیل هر یک از بندهای اقتصاد مقاومتی در بخش قبلی (پنجم) ارائه شده است.

## منابع:

- [۱] حساب‌های ملی ایران، بانک مرکزی ایران
- [۲] بخش پولی و بانکی، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۳] نشریه نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۴] آمار کل مانده تسهیلات و سپرده‌های ریالی و ارزی بانک‌ها و مؤسسه اعتباری، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۵] شاخص قیمت تولیدکننده، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۶] شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۷] شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی - قابل تجارت و غیر قابل تجارت، آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ایران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴
- [۸] مانده تسهیلات بانک‌ها و موسسات اعتباری (شبکه بانکی) به بخش غیردولتی، بخش متغیرهای پولی و اعتباری، بانک اطلاعات سری‌های زمانی، بانک مرکزی ایران
- [۹] خلاصه گزارش تحولات اقتصادی ایران در بخش واقعی سال ۱۳۹۳، بانک مرکزی ایران، ۲۶ تیر ماه ۱۳۹۴
- [۱۰] یزدان‌پناه، محسن، بحران پولی در انتظار اقتصاد ایران است، نشریه جستارهای مبین، شماره ۳۵، مهر ماه ۱۳۹۴
- [۱۱] نیلی، فرهاد، بررسی تعیین خلق نقدینگی و نقش واسطه‌گری مالی بانک‌ها در ایران، فصلنامه روند، شماره ۷۰، صفحات ۵۰-۱۳، تابستان ۱۳۹۴
- [۱۲] تحلیلی بر نرخ سود بانکی و نظارت بر موسسات اعتباری غیرمجاز، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، دی ماه ۱۳۹۳
- [۱۳] کاهش دستوری نرخ سود و تامین مالی بنگاه‌های تولیدی، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۳۹۳
- [۱۴] شاکری، عباس، هزینه بالای فرصت پول، سرمایه‌گذاری در تولید را از سوددهی خارج می‌کند، روزنامه شرق، شماره ۲۲۰۲، صفحه ۹، ۱۴ دی ماه ۱۳۹۳
- [۱۵] شاکری، عباس، دولت شبگرد مداخله‌گر شود، روزنامه شرق، شماره ۲۵۷۰، صفحه ۵، ۹ ادیبهشت ماه ۱۳۹۵
- [۱۶] شاکری، عباس، هزینه بالای فرصت پول، سرمایه‌گذاری در تولید را از سوددهی خارج می‌کند، روزنامه شرق، شماره ۲۲۰۲، صفحه ۹، ۱۴ دی ماه ۱۳۹۳
- [۱۷] شاکری، عباس، تیغ فعالیت‌های نامولد بر گزیدن اقتصاد ایران، روزنامه خراسان، صفحه ۱۰، ۲۴ دی ۱۳۹۴
- [۱۸] شاکری، عباس، اهمیت مقابله با انحصار، روزنامه شرق، شماره ۲۳۶۱، صفحه ۱، ۱۱ مرداد ماه ۱۳۹۴
- [۱۹] شاکری، عباس، نظام مالیاتی کشور، مادر شغل‌های نامولد است، روزنامه شرق، شماره ۲۰۶۶، صفحه ۴، ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۳
- [۲۰] شاکری، عباس، رانت جذابیت تولید را از بین برده است، خبرگزاری فارس، ۷ بهمن ۱۳۹۲
- [۲۱] شاکری، عباس، رواج فعالیت‌های نامولد و سوداگرانه در اقتصاد، ۳ پیامد رشد فزاینده نقدینگی، اقتصاد آنلاین، ۲۲ آبان ۱۳۹۱
- [۲۲] راغفر، حسین، ساخت سیاسی در اقتصاد ایران، سرمایه‌داری رفاقتی است، روزنامه شرق، صفحه ۷۶، سالنامه ۱۳۹۳
- [۲۳] راغفر، حسین، احسان، سلطانی، منافع مردم اسیر بازی مافیای قدرت و ثروت، روزنامه شرق، صفحات ۱۰ و ۱۱، ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵
- [۲۴] آمار پروانه‌های بهره‌برداری، وزارت صنعت، معدن و تجارت
- [۲۵] شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ، بانک مرکزی ایران

- [26] Real interest rate (%), World Bank Data  
[27] Lending interest rate (%), World Bank Data  
[28] Deposit interest rate (%), World Bank Data  
[29] Global Liquidity Indexes (GLI), Cross Border Capital, 2012  
[30] Manufacturing the future: The next era of global growth and innovation, McKinsey Global Institute, 2012  
[31] U.S. Manufacturing in International Perspective, Congressional Research Service, 2015  
[32] OECD Tax Database, OECD, 2014  
[33] Manufacturing, Agriculture and Services, value added (% of GDP)  
[34]. Statistics Database, WTO  
[35] Jofreh, Manouchehr, An Investigation of Business Activities in Iran Retailing Industry, Research Journal of Applied Sciences, Engineering and Technology, 2013  
[36] Doing Business 2016, Iran, World Bank  
[37] The Path to 2020, Taking the long view of retail market entry, Deloitte. 2014  
[38] GCC Retail Industry, Alpen Capital, 2011  
[39] The Global Competitiveness Report, World Economic Forum, 2013  
[40] The Gartner Supply Chain Top 25 for 2013, Gartner, 2013  
[41] World Development Indicator, World Bank, 2014, 2015

\* کلیه تحلیل‌های آماری این گزارش با استناد به داده‌های رسمی بانک مرکزی یا مرکز آمار ایران تهیه شده‌اند، مگر این که ذکر شده باشد.